

با توجه به اینکه اقتصاد موضوعی است که با همه‌ی حوزه‌ها (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی...) ارتباط پیدا می‌کند و در یکدیگر تأثیر و تأثر دارد، لذا برای بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی نیاز است در درجه‌ی اول (نقشه‌ی راه ایران) را در همه زمینه‌ها مرور نماییم و از خود سؤال نماییم: کجا بوده‌ایم، چرا آنجا بوده‌ایم؟ کجا هستیم؟ چرا اینجا هستیم؟ کجا می‌خواهیم برویم؟ ...

صفحه ۵



۲	ازدواج و آثار حقوقی آن	
۳	پیشرفت علم! ترجمه یا تولید؟	
۴	موارد اختلاف علم سکولار و علم دینی	
۴	درخشش عضو هیات علمی دانشگاه در جشنواره تحقیقاتی علوم پزشکی رازی	
۶	حلب، شروعی بر پایان جنگ؟	
۷	برای تو که مادر پدرت بودی...	
۸	چگونه بهشت مشتاق تو شده است؟	
۹	OLED چیست؟	
۱۰	لوطی آمریکایی	
۱۱	جشن ازدواج زوج های جوان دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد	
۱۲	ذره بین	

## لوطی آمریکایی

صفحه ۱۰

سرواخبار



سیامک شادکام



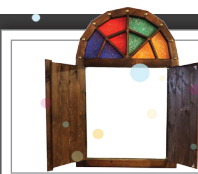
### با انقلابیون خسته چه باید کرد؟

نسل ما به دلیل عدم حضور در مقطع مهم و تاریخی پیروزی انقلاب، شناخت و ذهنیت کمتری نسبت به رخدادهای روزهای اول انقلاب و همچنین وضعیت ایران قبل از انقلاب دارد. آگاهی بخشی نسبت به مهم‌ترین وقایع و جریان‌های سیاسی و فرهنگی آن روزها و همچنین نگاهی به دستاوردهای انقلاب اسلامی می‌تواند نقش بسزایی در ارتقای بینش سیاسی و تحکیم چارچوب‌های فکری ما و همچنین القای حس امید نسبت به آینده روشن پیش رو داشته باشد.

پیشگامان و مبارزان صدر انقلاب بهترین آموزگاران و معلمانی هستند که می‌توانند در احیاء هویت ملی جوانان اثرگذار باشند. آگاهی از کارآمدی نظام و دستاوردهای ملی - منطقه‌ای انقلاب اسلامی ایران که تأثیرات عمیقی نیز بر منطقه به‌ویژه ملل مسلمان داشته باید به اطلاع جوانان این مرزوبوم برسد. چرا که جوانان به‌ویژه دانشجویان، نسل آینده‌ساز جامعه‌اند و رسالت تداوم انقلاب بر عهده آنان خواهد بود. اما عده‌ای از همین انقلابیون به اصطلاح خسته نیز هستند که تنگنای احد را به بهانه‌های واهی رها کرده و به فکر حفظ کیان خود و خانواده و حزب خود هستند تا حفظ کیان انقلاب اسلامی. این دست افراد، کسانی هستند که خستگی خود را با سخنان مطلوب رسانه‌های بیگانه نشان داده و قصد دارند حس ناامیدی به نسل جدید منتقل کنند. اما ما عهد داریم که خستگی ناپذیر مسیر را ادامه داده و تا رسیدن به اهداف متعالی انقلاب از پا ننشینیم. از این رو باید نگاه کلان و فرآیند به انقلاب اسلامی در سطح افکار عمومی زنده شود و جدای از همه‌ی انتقاداتی که به عملکرد برخی از مسئولین وارد است قدم‌به‌قدم به فکر اعتلای میهن اسلامی باشیم.

### مهارتی که فکر می‌کنیم نداریم!

از ابتدایی‌ترین هدف تشکیل دانشگاه‌ها مخصوصاً دانشگاه‌هایی که عمده هزینه‌ی تحصیل دانشجویان در آن بر دوش دولت است، حل مشکلات کشور بوده است. وقتی می‌گوییم مشکلات کشور، منظور گستره وسیعی از مشکلات است که از جمله آنها می‌توان به مشکلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، مدیریتی و... اشاره نمود. خوشبختانه برای حل هر کدام از این مشکلات در دل هر دانشگاه چندین و چند رشته دانشگاهی موجود است. اگر مشکل اقتصادی باشد که رشته‌هایی مثل اقتصاد محض (اقتصاد نظری)، علوم اقتصادی با انواع گرایش‌های همچون بازرگانی، پول و بانکداری و... موجود است.



صفحه ۳

### عنصر جاودان «بیداری اسلامی»

بیداری همان رمزی که همیشه زنده خواهد ماند. انگیزه‌ای که مسلمانان را به دفاع از حق وادار می‌کند و نمونه بارز آن جنبش دفاعی است که این روزها در سوریه شاهد آن هستیم آن هم همراه با ارزش و صفت اسلامیت چرا که اسلام تضمینی است که انقلاب را نتیجه می‌دهد. تاکنون انقلاب‌ها و جنبش‌های فراوانی در ایران و جهان رخ داده است و درباره آن‌ها قلم‌ها نوشته‌اند...

صفحه ۸

## نیاز اجتناب‌ناپذیر نظام اسلامی به دانشگاه حکمت بنیان

وی در پایان افزود: درست است که ما امروز در حدود ۴ میلیون دانشجوی داریم، اما باید بدانیم که زمانی واقعا می‌توانیم به این تعداد بناییم و بیابیم که دانشگاه‌های ما به کارخانه مدرک‌دهی و خدای ناکرده مدرک‌سازی، مقاله و ترس‌سازی و غیره تبدیل نشوند. در غیر این صورت دانشگاهی که همچون ماشین مدرک‌سازی عمل می‌کند و دانشجویانی که دغدغه مدرک داشته باشند نه آن دانشگاه و نه اینچنین دانشجویی نمی‌تواند برای کشور فرصت باشد. اگر قرار باشد دانشگاهی حکمت بنیان داشته باشیم تا سپس بتوانیم دانشجویانی تربیت کنیم که دانش آنها آمیخته با حکمت باشد. در چنین دانشگاهی می‌بایست کارمندان آن هم در تراز این دانشگاه باشند حتی فضای فیزیکی و طبیعی آن باید در همین راستا تعریف بشود. این آن چیزی است که امروز برای جامعه ما و نظام آموزشی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

آگاهی و دانایی خود را قطره‌ای ناچیز از اقیانوس کران‌ناپیدایی می‌بیند که هیچگاه به انتها نمی‌رسد. چنین انسانی از دانش خود لذت می‌برد. در چنین دانشگاهی علم آموزی کیلویی و کشیدنی نیست، با واحد ترم، مقاله، کپی و... میانه‌ای ندارد و اساساً چنین چیزهایی را نمی‌شناسد. در این دانشگاه نمره بی‌معناست، مدرک هدف نیست، اصولاً مدرک قرار بود صرف گواهی باشد برای اینکه چه کسی و تا کجا تحصیل کرده است و نه بیش از این. قرار نبود مدرک بت بشود، مقصد و مقصود بشود، و به هر شکلی افراد بخواهند به آن دست یابند. ایشان در ادامه گفت: جمهوری اسلامی باید دانشگاهی داشته باشد که خروجی آن در هر رشته‌ای که هست، دانش‌آموخته در تراز قرآن و اسلام باشد، و این یعنی ما دانشگاهی براساس حکمت بنا نماییم که خروجی آن علم را توأم با باورمندی و عمل صالح کرده باشد.

یک حکیم باشی بود. این واژه حکیم باشی خیلی معنا و مفهوم داشت، حکیم یعنی پزشکی که در کنار طبابت حکمت را فرا گرفته و طبابت او و شناخت صحت و سقم بدن آدمی توسط او با حکمت و نگاه معنادار به کل هستی همراه بوده باشد. فلاح‌رفیع در ادامه بیان داشت: جالب است بدانیم قرآن کریم آنجا که از مقایسه و همانندی عالم و غیرعالم سؤال انکاری می‌کند و می‌فرماید: «هَلْ یَسْتَوِی الذِّیْنِ یَعْلَمُونَ وَ الذِّیْنِ لَا یَعْلَمُونَ»، قبل از آن سخن از ذکر و فکر الهی، نماز شب و سجده و قیام است، سخن از ترس از آخرت است، سخن از امیدواری به رحمت الهی است. و این یعنی علم مبتنی بر حکمت که قرآن کریم این چنین علمی را علم واقعی می‌داند و فرد متصف به آن را عالم حکیم بر می‌شمارد. استاد فلسفه دانشگاه تربیت مدرس خاطر نشان کرد: چنین انسانی دانش خود را نیز جزئی از این نظام با اوصاف ذکر شده می‌بیند.



دکتر علی فلاح‌رفیع مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس با طرح موضوع آسیب شناسی آموزش عالی کشور در همایش مدیران گروه‌های آموزشی ضمن تبیین ضرورت تحول در نظام آموزش عالی کشور و مؤلفه‌های آن گفت: دانشگاه در نظام اسلامی می‌بایست منبعث و برآمده از آموزه‌های قرآنی و مفسران حقیقی قرآن یعنی اهل بیت (علیهم السلام) باشد. دانشگاه قرآنی دانشگاهی است حکمت بنیان که اصل و اساس آن بر حکمت بنا شده باشد. ایشان در ادامه افزود: این همان چیزی است که در برهه‌ای از تاریخ گذشته اسلامی، ما تجربه‌ای از آن داشته‌ایم. دانشگاهی که پزشک آن نه تنها یک پزشک که



فرزاد شریعت نیا

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی  
دانشگاه تربیت مدرس



## از دواج و آثار حقوقی آن

هنگامی که دختر و پسر قصد ایجاد زندگی مشترک دارند، اگر این ازدواج همراه با علم، آگاهی و درک متقابل و وظایف نسبت به یکدیگر باشد، زندگی به مراتب زیبا، همراه با دل خوشی را طی خواهند کرد. خداوند در قرآن کریم در سوره ی روم، آیه ی ۲۱ چنین می فرماید: و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانستان مودت و رحمت قرار داد. این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند! آیا چنین نیست که این آرامش همراه با درک متقابل یکدیگر صورت می گیرد و اگر زوجین نسبت به وظایف و مسئولیت های خود آگاهی نداشته باشند دچار مشکل و سختی می شوند.

در این شماره به وظایف قانونی زن و شوهر در قبال یکدیگر می پردازیم. از نگاه قانونی، آثار حقوقی نکاح را به دو بخش غیرمالی و مالی می توان تقسیم نمود:

۱. زوجین مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند. به این معنا که با یکدیگر مهربان و دوست باشند، همچنین به روابط زناشویی پایبند باشند. از این رو در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی چنین بیان می دارد: «زن و شوهر

مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر می باشند».

۲. به یکدیگر معاضدت نمایند. هدف از ازدواج، همکاری در زندگی و تشریک مساعی در پیشبرد اهداف متعالی آن می باشد. یکی از این لوازم وفاداری زن و شوهر نسبت به یکدیگر می باشد. در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی چنین بیان شده است: «زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند» اما ازدواج آثار مالی نیز دارد، که بیشتر مربوط به وظایف مرد نسبت به زن می باشد، از

جمله این موارد:

۱. مهریه می باشد، معمولاً هنگام عقد مبلغی یا تعداد سکه مشخصی را به عنوان مهر زن اعلام می کنند. در ازدواج دائم می توان توافق نمود که زن هیچ مهری نداشته باشد، اما در ازدواج موقت حتماً باید مهر ذکر شود و گر نه آن ازدواج باطل می باشد. ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی چنین بیان می دارد: «در نکاح منقطع عدم ذکر مهر در عقد موجب بطلان است» همچنین ماده ۱۰۸۲ چنین بیان می دارد که: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود و

می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید». بنابراین همین که عقد واقع شد، زن می تواند مهریه ی خود را از شوهر درخواست نماید مشروط بر اینکه برای تأدیه آن مدتی مشخص نشده باشد. همچنین زن می تواند تا زمانی که مهریه به وی پرداخت نشده از انجام وظایفی که دارد سرباز زند، البته چنین عملی موجب نمی شود که شوهر از پرداخت نفقه وی خودداری نماید. ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی چنین مقرر می دارد: «زن می تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در

مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مستقط حق نفقه نخواهد بود»

۲. پرداخت نفقه زن بر عهده ی شوهر می باشد. قانون مدنی در ماده ۱۱۰۷ تعریفی از نفقه را بیان می کند: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه ی نقصان یا مرض». در پرداخت نفقه شان و منزلت زن و اینکه از چه طبقه خانوادگی هست ملاک قرار می گیرد. البته زن وقتی مستحق پرداخت نفقه می باشد که به انجام وظایفی که در قبال شوهر دارد بپردازد. اگر زن در مقابل مرد ناسازگاری نماید، به تعبیر قانون به آن حالت «نشوز» می گویند. ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی چنین مقرر می دارد: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود». لذا شایسته است که قبل از ازدواج طرفین نسبت مسئولیت ها و وظایف خود آگاه باشند تا در زندگی مشترک دچار اختلاف نشوند.

بحث از ازدواج و مسائل حقوقی آن بسیار گسترده است، در این مطلب تلاش شد به بیان کلی آن پرداخته شود، لذا پیشنهاد می کنم دوستانی که قصد یادگیری مطالب جزئی تر آن را دارند به مواد قانون مدنی و کتاب هایی که در زمینه ی حقوق خانواده به نگارش درآمده است مراجعه نمایند.

## مستطاب نامه

تری دیری (Terry Deary) در جلد ششم از مجموعه کتاب های «تاریخ ترسناک» گفته است: اگر چه آمریکا بزرگ ترین کشور جهان در ساخت و استفاده از سلاح های هسته ای (که می تواند دنیا را در یک روز نابود کند) و ایجاد آلودگی های عظیم زیست محیطی (که همان کار را کمی آهسته تر انجام می دهند!) پیشگام است، اما در جعل تاریخ هم بد طولایی دارد. بدترین چیز در این کشور کتاب های تاریخ آن است! کتاب های درسی ایالات متحده تا می توانند در مورد قهرمان های ملی آمریکا بلف می زنند و خالی می بندند. اینکه هر کشور و حکومتی در جریان شکل گیری و بقاء خود مرتکب اشتباهات و خشونت هایی شود طبیعی است اما میزان خشونت ها و اشتباهات آمریکا به گستره ی این کشور و درازای تمام تاریخ آن است!

دیری: «تاریخ هیچ گاه این اندازه ترسناک نبوده است!»

ناشر: خیزش نو  
قیمت پشت جلد: ۱۰۰۰۰ تومان  
پن: اگر کتاب را خواندید و نظری راجع به آن داشتید خوشحال می شوم آن را برایم به ایمیل نشریه بفرستید.



مطالعه ی کتاب هایی از این دست که مفید و مختصر به بیان چکیده ی آثار تاریخی بزرگ و کتاب های مهم پرداخته اند، و با حجمی کم و بیانی طنز، کار را برای کتاب نخون ترین مردم دنیا (!!) آسان کرده اند، بسیار لذت بخش و جذاب خواهد بود. همچنین بخش بندی های کوتاه کتاب، آن را برای زنده نگاه داشتن زمان هایی که در مترو، اتوبوس و تاکسی می میرند به شدت مناسب ساخته است.

خلاصه آنکه اگر دانشجو بودن وقتی برایتان باقی گذاشت، کتاب را مطالعه کنید که بر دانسته هایتان و تعجبتان خواهد افزود. به قول مورخ و طنزپرداز عزیزتری

افراد بنامی چون: هاوارد زین، نصیر صاحب خلق، شهریار زرناس، اوریانا فالاجی، نوام چامسکی و بسیاری دیگر یاری گرفته است که لیست کامل آن در فهرست منابع کتاب موجود است.

اگر حقیقت جویی را یکی از سرشاخه های دانش جویی بدانیم، خواندن این کتاب می تواند کمک بزرگی باشد در دستیابی به آن بخش از حقیقت که مغفول مانده است. روایت طنز کتاب به نظر این حقیر نقطه ی قوت آن است، چه آنکه مطالعه ی تاریخ، آن هم تاریخی این چنین لبریز از پلشتی و جنایت ممکن است آدمی را به این فکر وادارد که: دست از کار دانش جویی بردارد و به همان کارت دانش جویی بسنده کند! اما

بودن این است که: ندانستن عیب نیست، نپرسیدن عیب است!

تری دیری (Terry Deary) در جلد ششم از مجموعه کتاب های «تاریخ ترسناک» گفته است: اگر چه آمریکا بزرگ ترین کشور جهان در ساخت و استفاده از سلاح های هسته ای (که می تواند دنیا را در یک روز نابود کند) و ایجاد آلودگی های عظیم زیست محیطی (که همان کار را کمی آهسته تر انجام می دهند!) پیشگام است، اما در جعل تاریخ هم بد طولایی دارد. بدترین چیز در این کشور کتاب های تاریخ آن است! کتاب های درسی ایالات متحده تا می توانند در مورد قهرمان های ملی آمریکا بلف می زنند و خالی می بندند. اینکه هر کشور و حکومتی در جریان شکل گیری و بقاء خود مرتکب اشتباهات و خشونت هایی شود طبیعی است اما میزان خشونت ها و اشتباهات آمریکا به گستره ی این کشور و درازای تمام تاریخ آن است!

«تاریخ مستطاب آمریکا» سعی می کند نقاط تاریک، تاریک تر و حتی خیلی تاریک تر تاریخ این کشور را از زمان کشف قاره تا امروز براساس آنچه حقیقت دارد بیان کند.

کتاب صورتی طنز و سیرتی سخت مطابق با واقعیت دارد؛ که برای اولی از کاریکاتورهای بیژن بیژنی و قلم محمدصادق کوشکی، و برای دومی از آثار

معرفی کتاب

یک قرار قدیمی هست بین من و خودم! هر سال ۱۶ آذر یک هدیه ی کوچک می خرم تا یادم بماند که حتی اگر در دانشگاهی مشغول به تحصیل نیستم اما باید «دانشجو» باشم. البته دانش آن نیست که تنها در کتاب های درسی و تخصصی بتوان جست؛ و صد البته دانشجو هم آن نیست که کارت دانشجویی داشته باشد، و تو دانشجو هستی اگر کارت دانشجویی است! و «دانشجویی» در اینجا نه صفت که مصدر است. و مقصود از کار، هم همان راه و رسم فکرت است و چپستی تفکر. فلسفه ی دور و درازی دارد این دانشجو بودن که عجالتاً در می گیریم!

قصه، امسال هم ۱۶ آذرماه رفتم نمایشگاه کتاب همین دانشگاه خودمان. بین کتاب های گشتم که «تاریخ مستطاب آمریکا» چشمم را گرفت؟! کتاب را خریدم و خواندم. ظرف مدت کوتاهی، و فکر کردم خوب است راجع به آن با کسی صحبت کنم و (بین خودمان بماند) دوست تر از شما نیافتم...

«مستطاب» را مرحوم دهخدا این چنین معنا کرده است:

«مُت [ع ص] نعت مفعولی از استطابه. خوش آمده، پاک آمده و لذیذ (غیث) خوش، نیکو، پسندیده، شایسته و خوشایند. (این را نوشتیم چون قانون اول دانشجو

که در آن نظام سیاسی غیرالهی را تجویز و از آن دفاع می‌کند و موجبات بقا و تداوم آن را فراهم می‌کند، اما با این وجود که قشر دانشگاهی در حال کسب و نشر آن هستند تهدیدها و مخاطرات برخاسته از آن کمتر احساس و لمس می‌شود.

البته این طور نیست که بگوییم علوم انسانی غرب همگی باطل است، برخی از آنها قابل قبول است و ما باید براساس «یستمعون القول و يتبعون احسنه» عمل کنیم ولی وضعیت حال علوم انسانی يتبعون ترجمت چه خوب چه بد است.

«ما به خصوص در زمینه‌ی علوم انسانی، برخلاف آنچه که انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت مناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم را چه در زمینه‌ی اقتصاد و چه در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست به شکل وحی منزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به صورت فرمول‌های تغییر کردنی در ذهن مان جای داده‌ایم و براساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه‌ی خودمان را تنظیم کنیم. گاهی که این فرمول‌ها جواب نمی‌دهد و خراب درمی‌آید خودمان را ملامت می‌کنیم که ما درست به کار نگرفته‌ایم. درحالی که این روش، روش غلطی است. ما در زمینه‌ی علوم انسانی، احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم.»

این گزیده‌ای از بیانات رهبری در سال ۸۲ در جمع اساتید است. بیش از ۱۵ سال از فرموده‌ی ایشان می‌گذرد و ظاهراً چند رشته‌ی دانشگاهی بازنگاری شده است اما نوآوری و خلاقیتی رخ نداده و هنوز گوی سبقت از آن ترجمه است نه تألیف و ابداع. در اینجا است که باید گفت آش همان آش و کاسه همان کاسه ...

## پیشرفت علم! ترجمه یا تولید؟



در مسیر شکستن غل و زنجیر از دست و پای بشر گام بردارد تا به آزادی واقعی برسد نه آزادی به معنای نوعی اسارت دیگر، اسارت در تفکرات جامعه‌ی غرب. تفکر «ترجمه‌گرا» و «غرب‌گرا» مضرات فراوانی دارد که یکی از آن‌ها در حقیقت تضعیف اندیشه است. اندیشیدنی که در ذات و طبیعت خود امیدبخش است. تضعیف اندیشه یعنی از بین بردن تفکری که می‌تواند مبدع و خلاق باشد. حال بر سر جامعه‌ای که در آن تفکر از درون تپه شده است چه می‌آیند؟ در این جامعه به جای تفکر خلاق و سازنده، تفکری محصور شکل می‌گیرد

علم را دیگران تولید و مردمان سرزمین پارس آن را ترجمه کنند و سپس ترجمه را ارائه کنند و آن ترجمه را مورد آزمون قرار دهند تا اطمینان خاطر یابند از اینکه مباحث را همگان خوب فرا گرفته‌اند.

ملاک پیشرفت علم ترجمه نیست بلکه تولید است. یک جامعه‌ی علمی مصرف‌کننده و دنباله‌رو که گوی سبقت را در زمینه‌ی ترجمه روده و هنر و برتری خود را در این می‌داند که مترجم‌تر است و با افکار تولیدی و ابداعی دیگران، زودتر آشنا می‌شود و زودتر آنها را فرا می‌گیرد، پیشرفته‌تر نیست. علوم انسانی، خصوصاً علوم انسانی اسلامی باید

می‌دانند که به دنبال علم روند از همین رو به طور قطع در همه یا دست کم اغلب اقوام یا جوامع انسان‌هایی وجود دارند که می‌توانند از لحاظ علمی و معرفتی خلاق و مبدع به شمار آیند و کاروان علم را پیش ببرند. اما وضعیت علوم انسانی در دنیای کنونی این است که غربیان به ابتکار و خلاقیت علمی بپردازند و جوامع دیگر از جمله جامعه‌ی ما به اقتباس محض و ترجمه‌زدگی مشغول باشند و در حقیقت این عمل با روایت اگر علم در ثریا باشد مردانی از سرزمین پارس به آن دست پیدا خواهند کرد در تناقض کامل می‌باشد ظاهر روایت این را بر نمی‌تابد که

علوم انسانی به معنای عام به عنوان بستر ذهنی انسان در زندگی است. اما اگر خواستار تعریفی بسیط‌تر از علوم انسانی در این جامعه باشیم شاید بهترین آن، تعریف آیت الله مصباح از این علوم باشد. «علوم انسانی عبارت است از علمی که در ساختن انسان و تکامل معنوی و روحی انسان می‌توانند نقشی داشته باشند.» و در ادامه‌ی ایشان اشاره می‌کنند که از این جهت، علوم انسانی با هدف انبیا و تعالیم آن‌ها ارتباط پیدا می‌کنند؛ چون هدف انبیا نیز ساختن انسان بوده است. حال تصور کنید آن دسته از دانشجویانی که در جامعه‌ی اسلامی به امید تکامل، قدم در عرصه‌ی علوم انسانی می‌گذارند و ناگه مواجه می‌شوند با برتراند راسل که دین را ناشی از جهل می‌داند ...

چرا باید علمی که با هدف انبیا الهی یکسان و همسو است آغشته به ماتریالیست شود؟

در پاسخ به این سوال ابتدا باید به دنبال این باشیم که این علم در کجا تولید و در کجا مصرف می‌شود؟ و یا اینکه علوم انسانی امروزه در دانشگاه توسط چه منابع و سرفصل‌هایی تدریس می‌شود؟

خداوند متعال استعداد و قابلیت تولید علم را به قوم و جامعه خاصی اختصاص نداده که بتوان فرض کرد یک یا چند قوم و جامعه باید به تولید علم بپردازند و دیگران مصرف‌کننده و دنباله‌رو باشند بلکه صراحتاً در هر جامعه‌ی افرادی را موظف

یادداشت

سهیلا استیری

دانشجوی کارشناسی ارشد  
مطالعات زنان



## مهارتی که فکر می‌کنیم نداریم!

زهره حمیدی سوها

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس



برخی‌ها می‌گویند اگر هم بخواهی نمی‌گذارند! اما آیا این به راستی توجیه خوبی برای اقناع روح کمال‌طلبی ماست؟ به نظر می‌رسد اینکه نمی‌خواهیم

کاری به این کارها داشته باشیم صحبت درست‌تری باشد تا اینکه نگذاشتند، نشد و ... تاریخ گواهی این را داده است و همچنان

نیز می‌دهد که جوان ایرانی هر چه که بخواهد به انجام می‌رساند. پس چرا

ما نمی‌خواهیم؟ بسیاری از دانشجویان هستند که توانایی چنین کاری را در خود نمی‌بینند. یا فکر می‌کنند بی‌استعدادند و یا از ترس مورد تمسخر واقع شدن لب‌از لب نمی‌گشایند.



بهتر است بدانیم که مطابق دامنه‌ای که روانشناسان از ضریب هوش ارائه می‌دهند تعداد اندکی از افراد جامعه نابغه‌اند در حالی که می‌دانیم اگر اراده کنیم می‌توانیم طوماری از اسامی دانشمندان تاثیرگذار در این مرز و بوم را نام ببریم که هر یک تنها به تلاشگری خویش اذعان داشته‌اند نه هوشی سرشار و دور از ذهن! پس بهتر است به جای اینکه به بهانه تراشی بپردازیم به مهارتی بیندیشیم که فکر می‌کنیم نداریم! مهارت آرمان خواهی و تلاشگری.

راستی قدم اول آنقدرها هم مشکل نیست هر دانشجویی بهتر از هر فرد دیگری می‌داند در رشته‌ی تحصیلی خودش چه خلأهایی وجود دارد، فکر کردن به این مسئله بسیار فراتر از انتخاب موضوع پایان نامه است! همین الان بگو برای آینده کسورت چه برنامه‌ای داری؟! کسورت

این کارها داشته باشیم صحبت درست‌تری باشد تا اینکه نگذاشتند، نشد و ... تاریخ گواهی این را داده است و همچنان نیز می‌دهد که جوان ایرانی هر چه که بخواهد به انجام می‌رساند. پس چرا ما نمی‌خواهیم؟ بسیاری از دانشجویان هستند که توانایی چنین کاری را در خود نمی‌بینند. یا فکر می‌کنند بی‌استعدادند و یا از ترس مورد تمسخر واقع شدن لب‌از لب نمی‌گشایند. اما خوب است بدانیم مرز میان یک انسان تلاشگر و خوش فکر با انسانی سر در گریبان فرورفته فقط یک چیز است و آن تفکر است با اندکی چاشنی اعتماد به نفس و میهن دوستی! نگاهی به زندگانی برخی بزرگان ایران زمین که در نوع خود انقلابی در ایران ایجاد کرده‌اند گواهی این امر را می‌دهد. افرادی همچون پروفیسور حسابی، شهید احمدی روشن، شهید شهبازی و ...

والایی که از آن نام بردیم اصل هستند و یا فرع؟ شاید از نظر کسی که کمی مشکلات اقتصادی را در زندگی تحمل کرده است این سخن خنده‌دار و یا لایق ضرب‌المثل، برو دلت خوش است! باشد اما پرسشی که بسیار جای بحث دارد این است که آیا نمی‌شود هر دوی اینها را در کنار هم داشت؟ نمی‌شود هم پزشک شد و هم به فکر درآمد بود و هم به فکر راه‌حلی برای درمان بیماری‌های نادر؟ آیا صرف دستیابی به منزلت اجتماعی کفایت تا بتوانیم بگوییم به آنچه که در زندگی می‌خواستیم دست یابیم؟ آیا در این صورت پس از مرگ در زباله‌دان تاریخ نمی‌افتیم؟! برخی‌ها می‌گویند اگر هم بخواهی نمی‌گذارند! اما آیا این به راستی توجیه خوبی برای اقناع روح کمال‌طلبی ماست؟ به نظر می‌رسد اینکه نمی‌خواهیم کاری به

را بهتر درک نماییم. اما سوال و یا نقطه دردناکی که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که چند درصد از دانشجویان، زمانی که وارد رشته‌ی دلخواه خود می‌شوند، به فکر حل مشکلی برای کشور و کمک به روند توسعه‌ی آن هستند؟ البته شاید این مسئله همچون آرمانی پنهان در گوشه‌های از ضمیر ناخودآگاه هر دانشجویی پرسه بزند اما به راستی آنچه برای او در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد این آرمان است؟ یا خیر، موارد دیگری همچون درآمدزایی، کسب موقعیت اجتماعی و افزایش منزلت فردی با برچسب‌هایی همچون مهندس، پزشک، مدیر، سیاست‌مدار، جامعه‌شناس و ... که جز اهداف اصلی فرد به شمار می‌روند. ناگفته هوداست که دستیابی به موارد مذکور برای هر انسان چشم و دل سیری نیز بسی دارای اهمیت است؛ اما آیا این موارد در کنار آرمان

از ابتدایی‌ترین هدف تشکیل دانشگاه‌ها مخصوصاً دانشگاه‌هایی که عمده هزینه‌ی تحصیل دانشجویان در آن بر دوش دولت است، حل مشکلات کشور بوده است. وقتی می‌گوییم مشکلات کشور، منظور گستره وسیعی از مشکلات است که از جمله آنها می‌توان به مشکلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، مدیریتی و ... اشاره نمود. خوشبختانه برای حل هر کدام از این مشکلات در دل هر دانشگاه چندین و چند رشته دانشگاهی موجود است. اگر مشکل اقتصادی باشد که رشته‌هایی مثل اقتصاد محض (اقتصاد نظری)، علوم اقتصادی بانواع گرایش‌های مختلف، پول و بانکداری و ... موجود است. اگر ... اصلاً چرا اطلاع کلام کنیم بهتر است سری به دفترچه‌ی راهنمای انتخاب رشته سازمان سنجش (ویژه مقطع کارشناسی) ببیندیم تا درستی این سخن

یادداشت



فاطمه رحمانی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه تربیت مدرس



# موارد اختلاف علم سکولار و علم دینی



بنا بر آنچه در تعریف «علم سکولار» و «علم دینی» مورد اشاره قرار گرفت و شاخص‌های کلی، که در آثار گوناگون برای فرایند سکولاریسم به‌طور کلی مورد تأیید قرار گرفته است، باید گفت: مبانی و باورها و بالطبع، نتایج علم سکولار و علم دینی در چهار محور ذیل به‌غایت از یکدیگر فاصله دارند: ۱. خدا؛ ۲. جهان؛ ۳. معرفت؛ ۴. معنویت و ارزش.

## ۱. خدا

مرز اصلی بین علم دینی و علم سکولار مفهوم «خدا» است. با ورود خدا به عرصه علم، مقدمات دینی شدن علم فراهم می‌شود و با حذف خدا از این دایره، علم به علم سکولار تبدیل می‌گردد. علم مدعی شناخت طبیعت است و دین می‌گوید: خدا و طبیعت را نمی‌توان جدای از یکدیگر شناخت، و این یکی از تعلیمات قرآن کریم است که به مؤمن و غیرمؤمن به‌صورت یکنواخت امر می‌کند طبیعت را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند تا خدا را بشناسند و به خدا ایمان بیاورند تا در نتیجه، طبیعت درحالی است که سنگ بنای علم سکولار و حتی کل ایده سکولاریسم، وداع با مفهوم خدا در حوزه علم است.

## ۲. جهان

سکولار شدن به این معناست که انسان از دین بی‌نیاز می‌شود و براساس عقل زندگی می‌کند و با طبیعت فیزیکی شیئیت یافته مواجه می‌شود. اختلاف دیگری که به نحو کاملاً عمیقی جهان‌شناسی علمی جدید را از جهان‌شناسی دینی متمایز می‌سازد و بسیاری از کسانی که در این زمینه صاحب آثاری هستند آن را مورد تأیید و تأکید قرار داده‌اند بر سر کمیت پرستی علم جدید است. در واقع علم سکولار حتی در ارتباط با جهان مادی کمیت‌پذیر، که سخت به آن علاقه‌مند است.

در واقع علم سکولار حتی در ارتباط با جهان مادی کمیت‌پذیر، که سخت به آن علاقه‌مند است. اما جهان‌شناسی دینی ریشه در دین دارد، و از همه جا روشن‌تر و زیباتر، آیات قرآن بیانگر این نوع نگرش به عالم خلقت است. قرآن مرزبندی قاطعی میان امر طبیعی و امر فوق طبیعی ترسیم نمی‌کند. نفسی که پرورده و قائم به قرآن است، عالم طبیعت را دشمنی طبیعی نمی‌شمارد که باید بر آن چیرگی یافت و مقهورش ساخت، بلکه به عنوان جزء مکتل جهان دینی انسان، به آن می‌نگرد که در حیات دینی‌اش و به یک معنا، حتی در سرنوشت نهایی او هم شریک اوست. قرآن طبیعت را در نهایت، یک تجلی الهی (بر انسان) می‌داند که هم خداوند را محبوب می‌دارد و هم او را مکشوف می‌سازد.

## ۳. معرفت

در قلمرو مباحث فلسفی، از زمان کانت به بعد، مهم‌ترین موضوع مورد توجه، بحث «معرفت‌شناسی» بوده است. پرسش‌های اصلی این حوزه با سه عنوان «بزار و منابع شناخت»، «حدود شناخت» و «ارزش شناخت» از یکدیگر متمایز می‌شوند. پیگیری این سه مسئله ابعاد دیگری از تفاوت‌های علم سکولار و علم دینی را برملا خواهد ساخت. ابزار شناخت از دیدگاه علم سکولار، «حس» و «تجربه» است، به علاوه «عقل جزئی حسابگر».

محدوده‌ی دانش بشری منحصر به شناخت پدیده‌ها و موضوعات تجربه‌پذیری است که قابلیت پوشیدن لباس کمیت داشته باشند. و درباره‌ی مسئله‌ی «ارزش شناخت»، سوالی که نزد فلاسفه سنتی و جدید وجود داشته، این بوده است که وقتی ما مدعی علم به چیزی هستیم، چه ضمانتی وجود دارد که این ادعا صحیح و قابل قبول باشد؟ اگر این ضمانت وجود داشته باشد شناخت ما ارزشمند تلقی می‌شود؛ در غیر این صورت، شناخت ما همواره مشکوک باقی خواهد ماند. صرف‌نظر از نقاط ضعف یا قوت پاسخ فلاسفه قدیم، که در قالب نظریه‌ی «مطابقت حقیقت» مطرح بوده است، تشنّت آراء متفکران جدید در این باب، دلالت بر ناکامی آن‌ها در یافتن ملاکی برای تضمین «ارزش‌مندی معرفتی» دانش جدید دارد، و این چیزی است که برخی آن را «بحران معرفتی» پیشروی بشر جدید نامیده‌اند.

علم سکولار با سماجت بر حفظ مبانی

خاص خود، هرگز انسان را به آرامش و سکون و رضایت قلبی نمی‌رساند. «معرفت عشق» تا زمانی که متعلق آن ماشینی بی‌جان با چهره‌ی بی‌عاطفه ریاضی باشد، خواب‌وخیالی بیش نیست. تا زمانی که جنبه‌ی «رازگویی طبیعت» و خصلت «آیه بودن» آن لحاظ نشود، عشق نسبت به آن معنا ندارد. آیشخور عشق هرگز نمی‌تواند جنبه‌ی «تجربه‌پذیر و کمیت‌پذیر» معشوق باشد.

## ۴. معنویت و ارزش

اعتقاد به معنویت حاصل هدفمند تلقی کردن زندگی است و هدفمندی زندگی حاصل اشرف و احاطه‌ی عالم معنا بر عالم ماده است و نتیجه این احاطه و آن هدفمندی این است که انسان حاضر می‌شود ارزش را از ضد ارزش بازشناسد و کارهایی همچون، صداقت، وفای به عهد، ایثار و عدالت را ارزشمند تلقی

**محدوده‌ی دانش بشری منحصر به شناخت پدیده‌ها و موضوعات تجربه‌پذیری است که قابلیت پوشیدن لباس کمیت داشته باشند. و درباره‌ی مسئله‌ی «ارزش شناخت»، سوالی که نزد فلاسفه سنتی و جدید وجود داشته، این بوده است که وقتی ما مدعی علم به چیزی هستیم، چه ضمانتی وجود دارد که این ادعا صحیح و قابل قبول باشد؟ اگر این ضمانت وجود داشته باشد شناخت ما ارزشمند تلقی می‌شود؛ در غیر این صورت، شناخت ما همواره مشکوک باقی خواهد ماند.**

کند و رفتارهایی همچون ظلم، خیانت، دروغ و غیبت را ضد ارزش به شمار آورد. بنابراین، حذف عالم معنا از جهان‌بینی علمی نتیجه‌اش دانشی است که توان اظهارنظر درباره‌ی ارزش را نخواهد داشت و بالطبع، معنویت نیز در چنین نگرشی جایگاهی نخواهد داشت. از این رو، بزرگ‌ترین خطر روایت سکولاریستی علم تجربی «نیپیلیسم» است. در واقع انسان مادی کسی است که جهان را سراسر مادی می‌داند و براساس همین اعتقاد نیز رفتار می‌نماید. بنابراین، مادی بودن رفتار الزاما به معنای تن‌پروری و لذت پرستی نیست؛ زیرا بسیاری از مادیون برای تأمین رفاه دیگران، ایثار و فداکاری کرده و برای تهیه آزادی، مسکن و نان هموعان، جان خود را نیز فدا می‌کنند. مادی بودن رفتار این گروه به این معناست که آرمان‌ها و تلاش‌های آن‌ها در محدوده حیات مادی انسان‌هاست. دلیل این محدودیت نیز این است که آن‌ها اعم از اینکه لذت طلب بوده یا اهل ایثار باشند، هر امر غیرمادی را معدوم می‌پندارند و در نتیجه، تمام اهداف و روش‌های آن‌ها در همین محور خلاصه می‌شود.

منابع:

مرتضی مطهری، ده گفتار تهران، حکمت، ۱۳۵۶، ص ۱۴۷-۱۴۶.  
مهدی گلشنی، از علم سکولار تا علم دینی تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۲.  
محمدرضا بلانین، علم سکولار یا دینی؟ سوره‌ی کف، آیه ۱۰۳ و ۱۰۴

## درخشش عضو هیات علمی دانشگاه در جشنواره تحقیقاتی علوم پزشکی رازی



رتبه سوم گروه محققان کمیته علوم بالینی و سلامت را از آن خود کرد. دکتر عیسی محمدی دارای مدرک کارشناسی پرستاری از دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و کارشناسی ارشد و دکتری پرستاری از دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد. وی تاکنون سه عنوان کتاب را تألیف و ترجمه نموده و مقالات متعددی در مجلات معتبر داخلی و خارجی به چاپ رسانده است.

ارتقای کیفی تحقیقات و فناوری در سطح ملی و بین‌المللی بر اساس آیین‌نامه‌های مصوب معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برگزار می‌شود، در سه گروه علوم بالینی و سلامت، علوم پایه پزشکی و ابداعات، اختراعات و فناوری اقدام به معرفی و تقدیر از افراد برگزیده کرد. در میان برگزیدگان کمیته‌های تخصصی دکتر عیسی محمدی،

دکتر عیسی محمدی عضو هیات علمی دانشکده علوم پزشکی دانشگاه موفق به کسب عنوان سوم در بیست‌ودومین جشنواره تحقیقاتی علوم پزشکی رازی شد. بیست‌ودومین جشنواره تحقیقاتی علوم پزشکی رازی، با حضور وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و معاون اول رئیس‌جمهور در دانشگاه علوم پزشکی ایران برگزار شد. این جشنواره که با تأکید بر امر

حال حاضر ریاست دانشکده علوم پزشکی و نیز ریاست کمیته اخلاق پزشکی دانشگاه را بر عهده دارد.

دکتر محمدی با مرتبه علمی استاد تمام در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه مشغول به فعالیت است و در



# موفقیت‌شناسی اقتصاد مقاومتی



محمدعلی نژادیان

دانشجوی کارشناسی ارشد  
مدیریت کارآفرینی



## ■ نقشه راه ایران

با توجه به اینکه اقتصاد موضوعی است که با همه‌ی حوزه‌ها (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی...) ارتباط پیدا می‌کند و در یکدیگر تأثیر و تأثر دارد، لذا برای بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی نیاز است در درجه‌ی اول (نقشه‌ی راه ایران) را در همه زمینه‌ها مرور نماییم و از خود سؤال نماییم: کجا بوده‌ایم، چرا آنجا بوده‌ایم؟ کجا هستیم؟ چرا اینجا هستیم؟ کجا می‌خواهیم برویم؟ چرا آنجا می‌خواهیم برویم؟

پاسخ به این سؤالات بسیاری از راه‌حل‌ها را برای ما هویدا خواهد نمود. از طرفی برای اینکه مسیر را به درستی طی طریق نماییم مناسب است یک (برنامه‌ی جامع) داشته باشیم که در آن (اهداف و ابزارها، فرصت‌ها و تهدیدها، موانع و استعدادها، منابع و ظرفیت‌ها، نقاط قوت‌ها و نقاط ضعف‌ها ...) مشخص شده باشد. لذا در ادامه به خلاصه‌ای از این موارد اشاره شده است و با طرح چند سؤال به بررسی اصالت و راه تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخته می‌شود:

■ ۱- آیا اقتصاد مقاومتی موضوعی درست است یا غلط؟ در حد فرضیه است یا نظریه؟ آیا در عمل اقتصاد مقاومتی برای ایران قابل اجرا هست یا خیر؟ و اگر هست چگونه و با چه ابزارهایی می‌توان آن را عملیاتی نمود و پیش‌نیازهای اجرای آن چیست؟

در اینجا به یک پاسخ اجمالی بسنده نموده و در شماره‌های آینده این نشریه با مطرح نمودن موضوعاتی وابسته به اقتصاد مقاومتی به صورت تفصیلی‌تر پاسخ داده خواهد شد. لذا این نکته قابل توجه است که هر (اقدام، تصمیم و سیاستی) که کشور را خودکفا نماید، وابستگی خود را نسبت به دیگر کشورها کم و یا قطع نماید، بیکاری را کاهش دهد و باعث اشتغال‌زایی شود قطعاً مناسب و درست است! البته اگر بخواهیم با دید برخی واردکنندگان،

دلان، قاچاقچیان و یا نقادان خاص بررسی کنیم ممکن است ایراداتی را در خصوص اجرای اقتصاد مقاومتی مطرح نمایند ولی قطعاً برای شروع هر کاری موانع و معایبی ممکن است وجود داشته باشد. لذا این بستگی دارد به دیدگاه و اراده ما که بخواهیم این کار عملیاتی شود یا خیر! از طرفی ما ضرب‌المثلی معروف داریم که خواستن توانستن است البته هر خواستنی توانستن نیست بلکه خواستنی توانستن است که با دانستن همراه باشد ...

■ ۲- آیا برای بررسی وضعیت (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و...) حال و آینده ایران نیاز است که کشور را با گذشته‌ی خودش یا با شرق و غرب مقایسه نماییم یا صرفاً باید شرایط حال را مورد بررسی قرار دهیم و به گذشته خود و دیگران کاری نداشته باشیم؟

هر (اقدام، تصمیم و سیاستی) که کشور را خودکفا نماید، وابستگی خود را نسبت به دیگر کشورها کم و یا قطع نماید، بیکاری را کاهش دهد و باعث اشتغال‌زایی شود قطعاً مناسب و درست است! البته اگر بخواهیم با دید برخی واردکنندگان، دلان، قاچاقچیان و یا نقادان خاص بررسی کنیم ممکن است ایراداتی را در خصوص اجرای اقتصاد مقاومتی مطرح نمایند ولی قطعاً برای شروع هر کاری موانع و معایبی ممکن است وجود داشته باشد.

اگر نیاز به مقایسه با غرب و شرق باشد باید همان‌طور که دکتر کاظم علمداری در کتاب "چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟" بیان نموده است؛ پیشرفت غرب را تقریباً از قرن ۱۶ میلادی به بعد مورد توجه قرار دهیم. زیرا پیش از آن ایران به‌طور خاص و شرق به‌طور عام از غرب عقب‌مانده‌تر نبود. همچنین قابل ذکر است که بعد از رشد تمدن غرب و پیشی گرفتن آن از شرق، پدیده‌ی استعمار ظهور کرد که تفاوت کنونی غرب و شرق را نمی‌توان بدون افزودن این عامل توضیح داد. البته نقش نفوذ استعمار در همه جای جهان یکسان نبوده و این عامل تنها یکی از دلایل کندی پیشرفت ایران نسبت به غرب بوده است. لذا کشور ایران علاوه بر

عوامل دیگری چون وجود مناطق خشک از جمله کویر نمک (دشت کویر و دشت لوت)، وجود دو سلسله کوه‌های بلند زاگرس و البرز، سرمای زیر صفر درجه و گرمای حدود پنجاه درجه در برخی مناطق و مخصوصاً کمبود آب، دارای موانع، مشکلات، افراط و تفریط‌هایی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و... نیز بوده است " که می‌توان به عواملی چون جنگ نرم، جنگ‌های سخت داخلی (قبیله‌ای) و خارجی که در دوران مختلف در تاریخ ایران به وقوع پیوسته که آخرین آن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است، همچنین ظلم حکومت‌ها، نفوذ و خیانت‌ها، خودپسندی‌ها و سلیقه‌ای برخورد نمودن در تصمیم‌گیری‌ها، عدم مدیریت صحیح در مصرف منابع و ثروت کشور، بخشیدن سرزمین ایران یا منابع آن به استعمارگران توسط پادشاهان، ضعف‌های قانونی، از همه مهم‌تر تحریم‌هایی که از اول پیروزی انقلاب اسلامی تا به حال به صورت‌های گوناگون به ایران تحمیل شده است و سوءاستفاده‌های فرصت‌طلبان، قدرت‌طلبان داخلی و خارجی، اختلاس‌کنندگان و برخی افراد غیرمتعهد اعم از مسئولین و غیرمسئولین (که اکثراً در چنگال قانون اسیر سوا شده‌اند) که با سوءمدیریت‌ها، کم‌توجهی‌ها، عدم مسئولیت‌پذیری، عدم آگاهی‌های لازم، خودخواهی‌ها، کم‌کاری، پول‌شویی، رانت‌های مختلف، کم‌فروشی، تقلب، منافع مادی و دنیوی... باعث ضربه‌های بسیاری به ملت ایران و انقلاب شدند و قطعاً اگر برخی از آن‌ها تا به امروز از دست قانون قضایی جمهوری اسلامی ایران فرار کرده‌اند روزی همانند گذشتگان خودخواه، رسوا خواهند شد. چرا که سرگذشت گذشتگان برای آیندگان نیز خواهد بود و این قانون خداوند قادر است که هر فرد، قوم، ملت، گروه، جناح و حتی هر حکومتی که ظلم و ستم را پیشه کار خود کرد و اهداف الهی را دست‌مایه‌ی منافع دنیوی و شخصی خود نمود دچار بحران و مصیبت‌های بسیاری شدند.

علاوه بر مواردی که ذکر شد در دهه‌های گذشته بسیاری از جوان‌های (مخلص، نخبه، از خود گذشته و متخصص) در جبهه‌های مختلف

جنگ با دشمنان و استکبار به شهادت رسیدند که هر کدام از آن‌ها ممکن بود تحول عظیمی را در مسیر پیشرفت ایران ایجاد کنند. همچنین بسیاری از نخبگان ما به دلایل مختلف به دیگر کشورها مهاجرت نمودند که این موضوع نیز از جهت برنگشتن آن‌ها بسیار ناراحت‌کننده است و باید برای این موضوع نیز چاره‌ای اساسی اندیشه شود. در نتیجه همه این موارد باعث شد که در برخی موارد از جمله اقتصاد پیشرفت در ایران با کندی همراه شود. البته این موضوعات به این معنی نیست که نتیجه بگیریم پس هیچ کار مثبتی امکان‌پذیر نیست زیرا کشور ایران همچنان دارای استعدادهای انسانی و طبیعی گران‌قدری است که با اتحاد، اراده‌ی جهادی، مدیریت صحیح، تغییرات لازم مخصوصاً در نگرش‌ها، خلاقیت و ابتکار عمل و با

با توجه به اینکه یکی از پایه‌های اساسی برای ادامه حیات و قدرت یک کشور مسائل اقتصادی است و با توجه به مسائل ذکر شده نیاز است به مبانی و ساختار اقتصاد ایران توجه ویژه‌ای شود و برای پیشرفت ایران، حل مشکلات امروز و جلوگیری از بن‌بست‌های اقتصادی در آینده باید به فکر خلاقیت‌ها و میانبرهای اصولی و کارشناسی شده بود.

تکیه بر قدرت الهی می‌توانیم علاوه بر حل مشکلات موجود، راه صعود ایران در همه‌ی زمینه‌ها را فراهم کنیم. همچنین ایران به دلیل داشتن سواحل طولانی (در جنوب و شمال)، موقعیت چهار راهی (گذرگاه میلیون‌ها لیتر نفت) و همسایه کشورهای (ارمنستان، ترکیه، عراق، افغانستان، پاکستان و...) باعث شده است که از لحاظ موقعیت منطقه ژئوپلیتیک در شرایط بسیار مناسبی قرار گیرد.

■ ۳- باید همیشه از خود این سؤال را داشته باشیم که چگونه می‌توانیم تهدیدها را تبدیل به فرصت کنیم؟ یعنی به فرض آیا می‌شود از همین شرایط اقلیمی نامناسب تحول ایجاد کرد؟

یکی از اهداف این نوشته تبیین همین موضوع است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. همچنین باید این باور را داشته باشیم که امروز (دفاع مقدس) دیگری است و (همان‌طور که دیروز در دفاع مقدس توانستیم، امروز هم می‌توانیم) و باید پیروز شویم. قابل ذکر است که ملت مجاهد ایران در هشت سال دفاع مقدس با کمترین امکانات نه تنها در برابر رژیم بعث عراق بلکه در برابر لشکری از استکبار حماسه آفرید و در نهایت با تمام پشتیبانی‌های (تسلیحاتی و نظامی، مالی و اقتصادی، واگذاری نیروی انسانی...) که کشورهای منطقه و فرا منطقه‌ای به رژیم بعثی عراق نمودند و با توجه به امید صدام مبنی بر اینکه در جنگ ۳ روزه تهران را تصرف خواهد نمود، بعد از ۲۸۸۷ روز حتی یک وجب از خاک ایران را نتوانست تصاحب کند.

لذا هر چند که مشکلات متعددی در زمینه‌های مختلف وجود دارد ولی اگر امنیت مرزی امروز را نداشتیم و صبح که از خانه بیرون می‌آمدیم معلوم نبود تا شب زنده بمانیم و ناامنی همچون افغانستان، عراق، یمن، سوریه و... داشتیم، امروز شرایط زندگی برای ما بسیار سخت‌تر بود. لذا اگر امروز در امنیت کامل مرزی هستیم و با فکری آسوده از حفظ جان خود به دنبال راه‌حل‌های اقتصادی هستیم مدیون (شهداء، جانبازان، ایثارگران) هستیم و البته مدیون رزمندگان امروز کشور که در سنگرهای مختلف از جمله نظامی، فرهنگی دیپلماسی و... مشغول به خدمت هستند.

حال با توجه به اینکه یکی از پایه‌های اساسی برای ادامه حیات و قدرت یک کشور مسائل اقتصادی است و با توجه به مسائل ذکر شده نیاز است به مبانی و ساختار اقتصاد ایران توجه ویژه‌ای شود و برای پیشرفت ایران، حل مشکلات امروز و جلوگیری از بن‌بست‌های اقتصادی در آینده باید به فکر خلاقیت‌ها و میانبرهای اصولی و کارشناسی شده بود.

در نتیجه با توجه به شواهد موجود، اقتصاد مقاومتی نزدیک‌ترین راه‌حل برای رسیدن به تعادل و (محافظت اقتصادی) کشور نسبت به تحریم‌ها، تهدیدها و خطرات احتمالی است.



اقتصاد ما و  
رئیس جمهور او



تا دیروز رئیس جمهورشون مؤدب و باهوش بود. گرچه نبود؛ ولی ما فکر می‌کردیم که بود. برای همین هم تا آب خوردن مردم را به نوک قلم رئیس‌جمهورشون بند کردیم. اگر دست نامبارک رو می‌چرخاند و لطف همایونی‌شان شامل حال ما می‌شد خب آب خوردنی به دست ما می‌رسید. فکر هم می‌کردیم شیطان اکبر، توبه کرده و بسیار دلش به حال ما می‌سوزد و بسیار موقر بوده و کلا آدم خوشحالی است. پس ذکر شبانه‌مان شد «اوباما ما را لحظه‌ای به خود وامگذار». من حتی گزاره «باید مدیر از خارج وارد کنیم» را هم در همین منظومه فکر و ذکر «اوباما ما را لحظه‌ای به خود وامگذار» تفسیر می‌کنم. قرار بود ما را بسازند. مثل ساقی‌ها که جنس به معتادین می‌دهند تا خود را بسازند. ما آن چنان به خود متکی بودیم که نه فقط جنس را از ساقی می‌خواستیم بلکه کار تزریق را هم به ساقی واگذار کرده بودیم.

اما خب آن سبو بشکست و آن پیمان ریخت. یا به قول رئیس‌جمهور قبلی خودمان... (سانسور شد؛ در شأن ما نیست استفاده از چنین الفاظی)! خلاصه که مردم و صد البته سیستم حاکمیتی و انتخاباتی اونا تصمیم گرفتند «فلک را سقف بکشایند و طرحی نو دراندازند» و فردی را رئیس جمهور بکنند که نه تنها خوشحال نیست بلکه کاری جز شاخ بازی و شاید شاخ زدن نمی‌شناسد. خب چه کاری بدتر از اینکه باوجود عالمی بزرگوار و رهبری مقتدر، ما بند اقتصادمان را به خُل و چلی چون ترامپ گره بزنیم؟

# حلب، شروعی بر پایان جنگ؟



در حلب می‌تواند زمینه‌ساز حضور این جریان و به‌خصوص ایران در یمن و بحرین شود. ادعایی که عربستان را بر آن داشته تا درصدد افزایش پیوند با قدرت‌های فرا منطقه‌ای برآید. در نهایت باید گفت که آزادی حلب هرچند منجر به پیروزی جبهه مقاومت گردید؛ اما نمی‌تواند برای ایران، سوریه، روسیه و حتی حزب‌الله بدون تبعات باشد. فتح حلب، با توجه به ضربه‌ای که به جبهه مخالفان وارد کرده، به موضوعی فراتر از سوریه تبدیل شده و منافع بازیگران زیادی را در سطح منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای درگیر ساخته است. در نگاهی واقع‌بینانه‌تر می‌توان گفت، باید منتظر پس‌لرزه‌های آزادی حلب بود. به‌عنوان نشانه‌هایی از تداوم سیاست‌های مخالف علیه جبهه مقاومت در پیروزی‌های اخیر، می‌توان به اعتراضات علیه حمایت ایران از آزادسازی حلب مقابل سفارت ایران در آنکارا و کنسولگری ایران در استانبول، یورش دوباره داعش برای تسلط بر تدمر، واکنش کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و تلاش برای معرفی کردن ایران و حزب‌الله به‌عنوان عوامل ناامن کننده منطقه، سفر وزیر خارجه انگلستان به عربستان به منظور همفکری با دولتمردان عرب، افزایش فعالیت‌های غرب در قالب سازمان ملل برای متهم کردن جبهه مقاومت به برخوردهای خشن با شهروندان حلب و در نهایت طرح‌ریزی برای جلوگیری از دچار شدن سرنوشت ادلب به سرنوشت حلب اشاره کرد؛ موضوعی که طی روزهای اخیر «دی میستورا» نماینده سازمان ملل در موضوع سوریه نیز به آن پرداخته است.

به صورتی که بارها مسئولیت جنگ در سوریه و قربانیان را بر عهده دولت بشار اسد، ایران و روسیه قرار داده‌اند. این رسانه‌ها از فتح حلب به دست نیروهای مقاومت با عنوان «سقوط حلب» یاد کرده‌اند که به کار بردن این واژه می‌تواند عمق نگرانی کشورهای عربی را از پیروزی‌های اخیر نشان دهد. علاوه بر این اخبار متعددی در مورد نقل‌قول سران برخی کشورهای عربی در خصوص وقوع «فاجعه انسانی» در حلب منتشر کرده‌اند که از دید این رسانه‌ها جبهه مقاومت مسئول بحران موجود است. رسانه‌های عربی، ترکی و غربی در تلاش بوده‌اند تا منازعات اخیر را به اختلافات میان تشیع و اهل تسنن نسبت دهند تا از فضای موجود علیه ایران، حزب‌الله و نیروهای نظامی شیعه عراق بهره‌برداری کنند. در این میان غرب نیز از طریق به کارگیری ابزارهای سیاسی در قالب سازمان‌های بین‌المللی، فشارهای اقتصادی در قالب افزایش تحریم‌ها علیه ایران و روسیه و دولت بشار اسد و ابزارهای تبلیغاتی در تلاش هستند تا واقعیت‌های حلب را به‌گونه‌ای دیگر نمایش دهند. این روزها فضای دیپلماتیک جهان عربی - غربی یکی از پرفرت‌وآمدترین روزهای خود را سپری می‌کند. از نشست‌های متعدد شورای همکاری خلیج فارس گرفته تا دیدارهای دوجانبه سران اروپایی و آمریکایی از عربستان و برخی دیگر از کشورهای عربی، موضوع حلب به‌صورت مکرر مطرح می‌شود و بحث ایران نیز به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر سوریه مورد بررسی قرار می‌گیرد. از دید سران اروپایی و غربی پیروزی مقاومت

**اینکه «فتح حلب پایان جنگ داخلی سوریه نیست».**  
**جمله‌ای است که بارها از سوی مقامات مختلف مطرح شده است؛ اما اهمیت فتح حلب تا جایی است که می‌تواند زمینه‌ساز پایان جنگ شود. در دوم فوریه سال جاری ارتش سوریه موفق شد، بر مسیر شمالی و جاده بین حلب و ترکیه که «دالان عزاز نامیده» می‌شود، تسلط یابد که درواقع نقطه عطفی در ادامه جنگ داخلی سوریه به‌حساب می‌آید.**

زمینه‌ساز پایان جنگ شود. در دوم فوریه سال جاری ارتش سوریه موفق شد، بر مسیر شمالی و جاده بین حلب و ترکیه که «دالان عزاز نامیده» می‌شود، تسلط یابد که درواقع نقطه عطفی در ادامه جنگ داخلی سوریه به‌حساب می‌آید. چراکه توانست مرز سوریه و ترکیه را تحت نظارت نیروهای مقاومت قرار داده و مسیری که تروریست‌ها از طریق آن با ترکیه در ارتباط بودند را قطع کند. این مسیر به عنوان شاه‌رگ حیاتی گروه‌های معارض تلقی می‌شد. چون تروریست‌ها از این طریق با انتقال نفت به ترکیه، تجهیزات نظامی و مواد غذایی موردنیاز خود را تهیه می‌کردند.

اهمیت دیگر فتح حلب فعالیت‌های رسانه‌ای و سیاسی عربی-غربی در حمایت از مخالفان دولت سوریه بوده است. پس از تسلط بر حلب در روزهای اخیر تبلیغات گسترده رسانه‌های عربی به‌خصوص «العربیه»، «الجزیره» و «شرق الاوسط» حاکی از موضع‌گیری شدید کشورهای عربستان و قطر علیه پیروزی‌های اخیر جبهه مقاومت در سوریه است.

یادداشت

سجاد محسنی

دانشجوی دکتری روابط بین الملل  
دانشگاه تربیت مدرس

سوریه به‌واسطه موقعیت حساسی که از نظر امنیتی و اقتصادی برای عربستان و جهان عرب داشته همواره مورد توجه بوده است. به همین خاطر جهان عرب و به‌خصوص عربستان سعودی روابط پر نوسانی را با سوریه تجربه کرده‌اند. از سوی دیگر روابط پرچالش جهان عرب با ایران نیز زمینه را برای افزایش شکاف در مواضع عربستان با جمهوری اسلامی فراهم ساخته است. تحت تأثیر چنین شرایطی وضعیت سوریه به طرز قابل‌توجهی بحرانی شده است. تحولات سال ۲۰۱۱ سوریه و نزاع میان حامیان و مخالفان دولت اسد، برخی از کشورهای عربی، غربی و ترکیه را بر آن داشت که با کنار گذاشتن بشار اسد از قدرت، ضمن از بین بردن یکی از حلقه‌های مقاومت، شرایط بازی منطقه‌ای را به ضرر ایران تغییر دهند. بنابراین به حمایت از مخالفان اسد پرداخته و به گسترش منازعات در این کشور کمک کردند. با این وجود با گذشت پنج سال از بحران داخلی سوریه، پیروزی جبهه مقاومت در حلب زنگ خطر بزرگی را برای جبهه عربی-غربی به صدا درآورد.

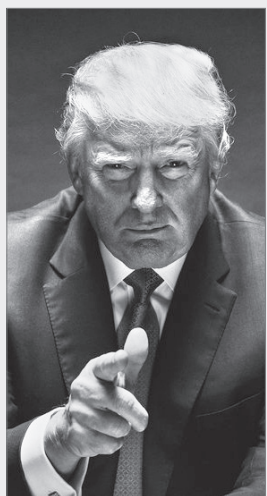
اینکه «فتح حلب پایان جنگ داخلی سوریه نیست»، جمله‌ای است که بارها از سوی مقامات مختلف مطرح شده است؛ اما اهمیت فتح حلب تا جایی است که می‌تواند

# برای تو که مادر پدرت بودی...



ادامه از صفحه ۶

آخه این «سید مقتدر مظلوم» چقدر حرص بخوره از دست رؤسای جمهور ما؟ آن یکی که عشق مکتب اسلام با قرائت ایرانی است. این یکی هم که... خب گفته برید روی پای خودتون بایستید. حرف نامعقولی زده؟ میگه یه طوری اقتصاد رو بساز که چه او با ما بود و چه او با ما نبود، ما ضرر نکنیم. یه طوری محکم ببندید کمربندها را که قامت اقتصادتان همچو سرو باشد. با هر بادی چون بید بر خود نلرزد. شما بگو؛ حرف بدی است؟ غیرمنطقی است؟ حالا بماند یه عده که انگار آب شنگولی خوردن فکر می کنند همه دنیا با همه دنیا مهربون هستند و همه گوگولی مگولی هستند. پس دربهای اقتصاد را باز کنیم تا کالا بیاید و برود و به ما خوش بگذرد. نه داداش من، این حرفا نیست. یه کاری خب نکنید که بگیم «اقتصاد مهم تر از آن است که به دست اقتصاددانها سپرده شود». خب نکنید دیگه. عقل دارید آخه. وقتی بیای کل سیستم رو به اسم اقتصاد آزاد و این حرفا باز کنی وضع میشه همین. هنوز ترامپ داره گلو صاف می کنه دولت ما ماستها رو کیسه کرده. خب این یعنی ول معطلیم دیگه! اگر اقتصاد مقاومتی را پیاده می کردیم الان ترامپ داد هم می زد دو تا می خوابوندیم زیر گوشش بشینه سر جاش. خب الان دستی نمونه که بتونیم باهاش بریم وسط رینگ. چرا؟ چون فکر می کردیم همیشه او با ماست. حالا بماند که او با ما نبود. ولی خب اندکی ظاهر را بهتر حفظ می کرد. و این است سزای آنان که به جای سجده بر درگاه خدا، به کدخدا پناه می برند...



چاره نیست و به خدا سوگند با مرگ تو مصیبت از دست دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر من تازه می شود و مرگ تو و از دست دادن تو مصیبتی بسیار بزرگ است، ولی همگان از خداییم و همگان به سوی او باز گردنده ایم و این مصیبت چه سخت و دردناکیز و دشوار و اندوهناک است. و این اندوهی است که چیزی مایه ای تسکین آن نیست و هیچ چیز آن را جبران نمی کند به آنچه می خواهی وصیت کن که به هر چه وصیت کنی رفتار خواهیم کرد و فرمان تو را بر خواسته خود ترجیح می دهیم.»

فاطمه (سلام الله علیها) آرام چشمها را گشود و لحظه ای به سقف خیره شد. پدرش بود که او را به سوی خود خوانده بود. اما چه زیبا و فرح بخش! پیامبر (صلی الله علیه و آله) را دیده بود که انتظار او را می کشید. چهره اش باز شد. گویی روحی تازه در کالبدش دمیده بودند. مدت ها بود که طعم خوشحالی را نچشیده بود و این گونه غرق در شادمانی نبود، درد پهلوش تسکین یافته بود دریافت که در آستانه ای تولدی نوین قرار دارد و دفتر زندگانی غمبارش، تا چندی دیگر بسته خواهد شد. صفی از ملائک که انتهایش غرق در نور بود به استقبالش آمده بودند هر کدام سلامی در باب فضیلت حضرت بر زبان داشتند اما حضرت سلامی را پاسخ گفت که این گونه بود السلام علیک یا ام ایها...

السلام) را فریاد می زند. این فریاد عدالت و حق خواهی نمونه ای از بزرگترین بُعد مجاهدت و حضور در صحنه ای تصمیم گیری های اجتماعی است. فدک، بهانه ای برای اعتراض به غصب خلافت و اظهار به بازگشت جاهلیت بود. فاطمه به انگیزه ی بازخواهی فدک، فدک را مدنظر نداشت بلکه فاطمه با آن ناله های دردناکش، حق امام و ولی امرش را می خواست بازستاند و باید حق را برملا می ساخت و مظلومیت علی را آشکار می کرد و پرده از سقیفه پردازان برمی داشت. هر چند فریاد دختر معصوم پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قلب های تیره کارساز نبود. اینان چشم هایشان کور و گوش هایشان کر نبود بلکه دل هایشان جاهل بود. نمود اعلا ی محبت این زوج آسمانی را می توان به خوبی از وصیت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در بستر مرگ دید و فهمید. آنجایی که حضرت خطاب به مظهر ولایت می گویند: «می دانی که هرگز دروغ نگفتم و از هنگامی که با یکدیگر زندگی مشترک داریم با تو مخالفتی نکرده ام.» و پاسخ می شنوند: «پناه بر خدا که تو به احکام خدا داناتر و پرهیز کارتر و بهتر از آنی و بیشتر از آن از خدا می ترسی که من فردای قیامت بتوانم بگویم که مخالفتی با من روا داشته ای و مفارقت و از دست دادن تو بر من سخت گران است، ولی افسوس که از این جدایی

بستر مرگ به فاطمه وعده داد تو زودتر از همه به من می پیوندی. شاید بتوان علت بی قراری های حضرت پس از مرگ پدر را انتظار بی صبرانه ای ایشان در تحقق وعده ی پدر و پیوستن به ایشان دانست. سوگ از دست دادن پدر آن قدر برای حضرت سنگین بود که شبانه روز در فراق پدر می گریستند تا جایی که بزرگان مدینه به محضر حضرت علی (علیه السلام) رسیدند و این گونه عارض شدند: «ای ابوالحسن! فاطمه (سلام الله علیها) شبانه روز گریه می کند و هیچکدام از ما علاوه بر آنکه، روزها در طلب معیشتیم شب هنگام نیز خواب خوش نداریم. ما از تو می خواهیم به فاطمه (سلام الله علیها) بگوییم یا شب گریه کند یا روز» و این گونه می شود که حضرت علی (علیه السلام) مکانی را در قبرستان بقیع فراهم می کند تا فاطمه (سلام الله علیها) مکانی را برای راز و نیاز و گریه بر پدر دارا باشد. جایی که آن را بیت الاحزان می گویند و برخی پس از احتمال دفن حضرت در مسجد نبی و قبرستان بقیع آن را محتمل دانسته اند.

این تنها نمادی از محبت و عطوفت ولی حق نسبت به صدیقه الکبری بانوی دو عالم است. عشقی پایدار که در اوج ماتم و مصیبت آن چنان شعله ور است که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) از ورای حق خواهی ولایت علی (علیه

سوگ از دست دادن پدر آن قدر برای حضرت سنگین بود که شبانه روز در فراق پدر می گریستند تا جایی که بزرگان مدینه به محضر حضرت علی (علیه السلام) رسیدند و این گونه عارض شدند: «ای ابوالحسن! فاطمه (سلام الله علیها) شبانه روز گریه می کند و هیچکدام از ما علاوه بر آنکه، روزها در طلب معیشتیم شب هنگام نیز خواب خوش نداریم. ما از تو می خواهیم به فاطمه (سلام الله علیها) بگوییم یا شب گریه کند یا روز» و این گونه می شود که حضرت علی (علیه السلام) مکانی را در قبرستان بقیع فراهم می کند تا فاطمه (سلام الله علیها) مکانی را برای راز و نیاز و گریه بر پدر دارا باشد. جایی که آن را بیت الاحزان می گویند و برخی پس از احتمال دفن حضرت در مسجد نبی و قبرستان بقیع آن را محتمل دانسته اند.



مریم رضایی

کارشناسی ارشد مطالعات زنان

آن خانه نمی دانم آن شب با چه قدرتی بر پای ایستاده بود و فرومی ریخت، آن شهر چه شهری بود که چنین مصیبتی را تاب آورد و در هم نشکست، آن چه قبرستانی بود که سرچشمه عصمت را در خویش فروبرد و دم برنیورد، آنچه خاکی بود که به خود جرأت داد، فاطمه را از علی جدا کند؟

بین دهم جمادی الاول تا بیستم جمادی الثانی تقویم، رنگ فاطمه (سلام الله علیها) دارد.

حکمت این چهل روز عظمتی است که برای حضرت زهرا (سلام الله علیها) وجود دارد. عظمت حضرت در تمثیل اقیانوسی که عمق و کرانی نامعلوم دارد نمی گنجد. حضرت از نگاه والاترینان والاتر است. در حیات پدرش، پس از فوت پدرش، در کنار همسرش، در تربیت فرزندان در حضور اجتماعیش، و حتی هنگام فوتش، در هر برهه از عمر چون گلش بنگری غرق در عظمت می شوی و این عظمت آنجا سخت بر تو می آید که با مصیبت همراه است.

مدینه چگونه شهری بود و چگونه مردمانی داشت که نشنید نوای فاطمه پاره ی تن من است هر که او را شاد کند مرا شاد کرده و هر که او را اندوهناک کند مرا اندوهناک کرده است، فاطمه از همه مردم پیش من عزیزتر است.

اما این شهر و مردمانش را پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خوبی می شناخت که در



رعنا امیری

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر  
دانشگاه تربیت مدرس

عمار یاسر نام آشنایی که تلاش‌ها، تحمل سختی‌ها و مرارت‌هایش برای پا گرفتن نهال نوپای اسلام تا ظهور قائم آل محمد (صلی‌الله علیه و آله) در قلب و ذهن ما حک شده است. اما این ارادت قلبی همه‌ی ما به عمار چرا و از کجا شکل گرفته است؟ اینکه در آن فضای مسموم یکی از اولین باران پیامبر بود و به یگانگی خداوند ایمان آورد او را این‌گونه جاودانه ساخته؟ یا اینکه ویژگی‌های شخصیتی عمار از او چهره‌ای دوست‌داشتنی، الگوی ایمان، اسوه‌ی حق و تجسم ارزش‌های قرآنی ساخته است؟... فرزند یاسر (یکی از نیکان زمان خود و جزو اولین حلقه‌ی وصل به پیامبر) و سمیه (کنیزی آزادشده و اولین شهید اسلام)... تنها خاطره‌ای که در ذهنمان از خانواده‌ی عمار نقش بسته شکنجه‌های ناپه‌نجار ابوجهل است که اگر سنگ‌های سوزان مکه زبان باز می‌کردند ایمان به اسلام را انکار می‌کردند ولی یاسر و سمیه نه! پرورش در دامان چنین مادری از عمار، سربازی شجاع و با ایمان ساخت که او را این‌گونه شایسته‌ی وصف پیامبر کرد: «سراپای عمار را ایمان پر کرده، و ایمان با گوشت و خونس آمیخته است». اما شخصیت والای عمار به سبب وجود بصیرت در تمام دوران‌های زندگی‌اش تاریخ هزار و اندی ساله را شکافته است و در تمامی جبهه‌های فرهنگی و سیاسی‌ورزمی الگوی اهل معرفت شده است ... با نگاهی گذرا به زندگی این بزرگ‌مرد، ردپای حضورش را از: شکنجه‌های بیابان‌های مکه تا جایی که در آتش افکنده شد و پیامبر دعاگویش شد: «ای آتش! سرد و سالم باش برای عمار، چنان‌که برای ابراهیم، سرد و سلامت گشتی»، هجرت مسلمانان مشتاق مکه به حبشه برای حفظ ایمان و رهایی از شکنجه‌های مشرکان، پیوستن

## چگونه بهشت مشتاق تو شده است؟



به پیامبر در مدینه برای ایجاد حکومتی که رنگ و بوی اسلام ناب محمدی را داشت، تلاش‌هایش برای ساخت مسجد مدینه به عنوان مقر مسلمانان، شرکت در تمامی جنگ‌ها در رکاب پیامبر، دفاع از ولایت علی (علیه‌السلام) پس از رحلت پیامبر، تا روشننگری فتنه‌های دشمنان برای باران و جذب قلب‌های مشتاق به سمت ولایت امیر المومنین علی (علیه‌السلام) نظاره‌گر هستیم ... آنچه بال‌های عمار برای پروازش تا ملکوت شد بصیرت و معرفت و وفای به عهد اوست ... به‌گونه‌ای که نقل از مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بصیرت یعنی همین که به موقع «آگاهی علمی، آگاهی عملی، همراه با نکته‌سنجی و درایت و فهم (عقلانیت و فهم)، انسجام و وحدت ملی، دشمن‌شناسی»<sup>۱</sup> را در کنار هم داشته باشی چرا که عمار به موقع برای رهایی از شکنجه‌های ابوجهل از خدایان قلبی به نیکی یادکرد (تقیه)<sup>۲</sup>،

به موقع یکی از معماران مسجد مدینه و حفران خندق‌های جنگ شد، به موقع در مقام امانت‌داری کوفه همچنان روحیه‌ی تواضع و اخلاص و ساده‌زیستی را حفظ کرد و کوشید تا از عدل و حق فاصله نگیرد، تا جایی که به ملاک حقانیت مشهور شد آنجا که در رویایی جبهه حق و باطل عرصه بر مردم تنگ می‌شد، انتخاب جبهه‌ی حق توسط عمار گره از سردرگمی می‌گشود، هوشیار تا جایی که در مخالفت عمار با جانشینی خلفا پس از رحلت رسول اکرم (صلی‌الله علیه و آله) تنها رضایت علی شرط رضایت عمار می‌شود... حفظ وحدت در سپاه علی (علیه‌السلام) در جنگ صفین در زمزمه‌هایی که بوی خیانت می‌داد با ایجاد بصیرت، تردید را از قلوب سپاهیان می‌زدود و پیوندی دوباره با حقانیت علی (علیه‌السلام) برقرار می‌کرد، در رونمایی از چهره‌ی واقعی دشمن لحظه‌ای درنگ نکرد و پرچمی که در زمان جنگ‌های

پیامبر در جبهه‌ی باطل قرار داشت برای اهالی تردید دوباره تصویرسازی کرد و یادآور شد. بصیرت و دانش عمار، او را از خاص‌ترین باران پیامبر و علی (علیه‌السلام) قرارداد تا جایی که چشم‌هایش را هیچ زمان به روی حقیقت نبست و دلش را سرگرم احوالات‌گذرای این دنیا نکرد حتی زمانی که امانت‌دار اموال مردم بود. شیرمردی که در نهمین روز ماه صفر با نودوچهار سال سن لحظه‌ای از عطش شهادتش کاسته نشد و با مدافع حریم ولایت بودن به‌گونه‌ای که دشمن او را یکی از دست‌ان امیر مؤمنان می‌پنداشت<sup>۳</sup> در صفین به آرزوی دیرینه‌اش رسید و به تعبیر پیامبر یکی از چهار نفری شد که بهشت مشتاق و منتظر اوست. کاش بشود در کنار طی کردن مراحل علمی هر کدامان عمار برای این خاک شویم... چرا که به گفته‌ی عمار دل‌هایمان خیلی وقت است «به ایمان محکم و مطمئن است»<sup>۴</sup>

(پی نوشت)  
۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در رابطه با بصیرت خواص  
۲. آیه ۱۰۶ سوره نحل در تأیید عمار نازل گردید: مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَ لَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ «کسانی که بعد از ایمان کافر شوند- به جز آنها که تحت فشار واقع شده‌اند در حالی که قلبشان آرام و با ایمان است - آری، آنها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده‌اند، غضب خدا بر آنهاست، و عذاب عظیمی در انتظارشان!» رسول گرامی اسلام (صلی‌الله علیه و آله) به عمار فرمود: «اگر باز هم از تو خواستند، چنان کن [یعنی تقیه را تکرار کن.  
۳. سخن معاویه درباره او، به عنوان اعتراف دشمن، جایگاه والای او را نشان می‌دهد. روزی که مالک اشتر با دسیسه معاویه در راه عزیمت به مصر شهید شد، معاویه پس از شنیدن این خبر گفت: علی بن ابی طالب دو دست داشت: یکی از آنها در جنگ صفین بریده شد و آن عمار یاسر بود، دست دیگرش امروز جدا گردید و آن مالک اشتر بود.  
۴. زمانی که عمار از تقیه در زمان ابوجهل سخت ناراحت بود رسول خدا بدو فرمود کیف تجد قلبک یا عمار؟ «دل‌ت را چگونه یافتی؟» عرض کرد: «انه مطمئن بالایمان یا رسول الله «ای رسول خدا دل‌م به ایمان محکم و مطمئن است»  
۵. سخنرانی مقام معظم رهبری در رابطه با بصیرت خواص  
۶. آیه ۱۰۶ سوره نحل در تأیید عمار نازل گردید: مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَ لَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ «کسانی که بعد از ایمان کافر شوند- به جز آنها که تحت فشار واقع شده‌اند در حالی که قلبشان آرام و با ایمان است - آری، آنها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده‌اند، غضب خدا بر آنهاست، و عذاب عظیمی در انتظارشان!» رسول گرامی اسلام (صلی‌الله علیه و آله) به عمار فرمود: «اگر باز هم از تو خواستند، چنان کن [یعنی تقیه را تکرار کن.

## عنصر جاودان «بیداری اسلامی»

زبان‌ها را یا به ستایش یا تقیب از خود باز کرده‌اند. عنصر مشترک تمام آن‌ها بیداری و حرکت اقلیت یا اکثریتی بوده است که از وضعیت موجود به نحوی ناراضایی داشتند. اما سؤال اساسی اینجاست که چرا برخی بسیار بانفوذ بودند و دنیا نیز را به جنبش واداشتند و برخی دیگر به‌مرور زمان فراموش شدند؟ پاسخ این پرسش، ما را به بررسی و مطالعه ارکان و هویت یک انقلاب می‌کشاند. برطبق ادعای استاد مطهری در کتاب «انقلاب اسلامی» هیچ انقلابی بدون معنویت که یکی از

ارکان مهم آن است، محقق نمی‌شود. اما نکته‌ی اساسی در نوع معنویت است که نتایج مختلفی به دنبال دارد. چرا که معنویت واژه‌ای است که همیشه یک معنا از آن برداشت نمی‌شود. استاد مطهری از اصطلاحی به نام «معنویت منفی» نام می‌برد. معنویت‌ی که موردقبول همه‌ی مکاتب حتی مادیون است. نبود برخی فاکتورها از جمله خودپرستی، خودخواهی و سودجویی، متعصب نبودن و منیت نداشتن در ساختار این نوع معنویت دخیل است اما بدون ایمان به خدا و مبدأ و معاد

و بدون تعلق به یک امر نامحدود و فرامادی. برخی بر این باورند تا برای از بین بردن ریشه‌ی خودخواهی و صفاتی که در فوق ذکر شد، باید مالکیت را از بین برد. یعنی من به ما تبدیل شود. اما غافل از اینکه تعلق ما همیشه بیرونی نیست بلکه باید از درون نیز آزاد باشیم و تنها راه دستیابی به این مقصود بندگی است و تلاش در اطاعت در جهت معاد. حال با توجه به این نقیصه‌ی مهم می‌توان علت اساسی توفیق بیداری جنبش اسلامی را دریافت: حریت و آزادی درون و بیرون ذیل بندگی یگانه حقیقت عالم. بنابراین جنبش بیداری اسلامی را می‌توان در پرتوی ایمان به حقیقت



فرامادی یعنی معنویت محض که نتیجه آن آزادی است و سپس تکیه و توکل به همراه حرکت و قیام در راستای ادای تکلیف تعریف نمود.

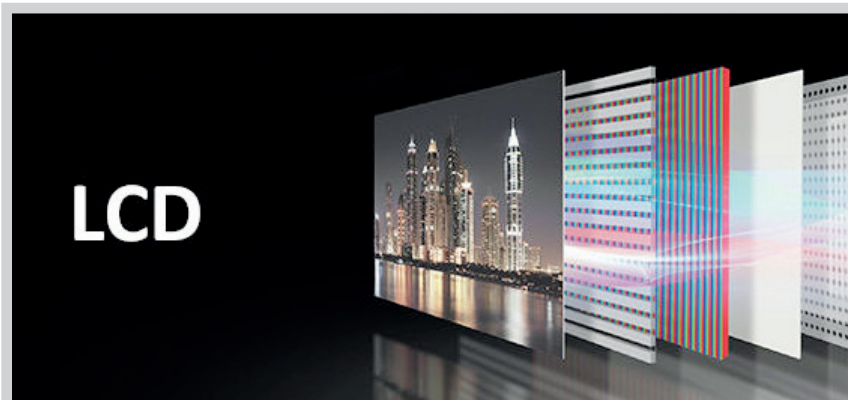


محبوبه حسینی پارسا

کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی  
و کلام تطبیقی

بیداری همان رمزی که همیشه زنده خواهد ماند. انگیزه‌ای که مسلمانان را به دفاع از حق وادار می‌کند و نمونه بارز آن جنبش دفاعی است که این روزها در سوریه شاهد آن هستیم آن‌هم همراه با ارزش و صفت اسلامیست چرا که اسلام تضمینی است که انقلاب را نتیجه می‌دهد. تاکنون انقلاب‌ها و جنبش‌های فراوانی در ایران و جهان رخ داده است و درباره آن‌ها قلم‌ها نوشته‌اند و





هستند و معمولاً تنها یک نفر از زاویه‌ای یکسان از آن‌ها استفاده می‌کند، تلویزیون‌ها اغلب توسط تعداد افراد بیشتری و از زوایای متفاوت تماشا می‌شود. زاویه‌ی دید نیز از دیگر زمینه‌هایی است که تلویزیون‌های OLED در آن با اختلاف زیاد نسبت به تلویزیون‌های LCD بهتر عمل می‌کنند. معمولاً در بررسی تأثیر تغییر زاویه‌ی دید بر کیفیت تصویر به نمایش درآمده، سه فاکتور تغییر رنگ، کاهش روشنایی و کاهش عمق رنگ سیاه بررسی می‌شوند. تغییر رنگ تلویزیون‌های OLED در زوایای مختلف بسیار ناچیز است؛ به طوری که در زاویه‌ی ۶۰ درجه، این میزان تغییر تنها به ۹ درصد می‌رسد. این در حالی است که در تلویزیون‌های LCD بازار میزان تغییر رنگ در همان زاویه به ۵۹ درصد می‌رسد.

از لحاظ کاهش روشنایی هم اوضاع به نفع تلویزیون‌های OLED است؛ اما بیشترین تفاوت در کاهش عمق رنگ سیاه به چشم می‌خورد. در حالی که عمق رنگ سیاه تلویزیون‌های اولد با تغییر زاویه تغییر نمی‌کند (۰ درصد افزایش روشنایی رنگ سیاه در هر زاویه‌ای)، اما تلویزیون‌های LCD در زاویه‌ی ۴۵ درجه ۴۱۹ درصد افزایش روشنایی رنگ سیاه را تجربه می‌کنند که تأثیر بسیار نامطلوبی بر کیفیت تصاویر می‌گذارد و رنگ سیاه را کاملاً خاکستری نشان می‌دهد.

یکی از معایب عجیب تلویزیون‌های OLED این است که رنگ‌های آن‌ها به صورت پیش فرض کالیبره نیستند. حتی اگر دو تلویزیون OLED از یک شرکت خاص و با مدل یکسان را بررسی کنید، متوجه خواهید شد که دقت رنگ‌های پیش فرض آن‌ها با یکدیگر متفاوت است. به نظر می‌رسد که پنل‌های OLED را به دلایل مابینشان نمی‌توان با دقت رنگ یکسان تولید کرد. به همین دلیل است که در یک خط تولید تلویزیون‌های OLED، دقت رنگ هر پنل با پنل دیگر متفاوت است. از طرفی چون کالیبراسیون تک تلویزیون‌ها کاری زمان‌بر و پرهزینه است، متأسفانه تولیدکنندگان تلویزیون‌های OLED زحمت این کار را به خود نمی‌دهند.

مشکل وقتی پیچیده‌تر می‌شود که متوجه شوید برای کالیبره کردن تلویزیون به یک تصویر استاندارد و خاص نیاز است تا با استفاده از آن و دستگاه colorimeter بتوان از طریق بخش تنظیمات رنگ تلویزیون، آن را کالیبره کرد. اگر هم به صورت دستی بخواهید تلویزیون را کالیبره کنید، متأسفانه دستگاه‌هایی مانند ایکس پیکس وان که بخش کالیبراسیون نسبتاً کاملی دارند، تصاویر و پترن‌های خود را برای تلویزیون‌های SDR نظر گرفته‌اند و این در حالی است که تلویزیون‌های HDR شما HDR است.

منبع: زومیت

شدت بیشتری داشت، اما هنوز هم این مشکل حتی در تلویزیون‌های LCD بالارده نیز به صورت کامل رفع نشده است. جالب اینجا است که حتی تلویزیون‌های CRT قدیمی نیز در این زمینه عملکرد بهتری نسبت به تلویزیون‌های LCD دارند. مشکل از اینجا ناشی می‌شود که کریستال‌های مایع در LCD نمی‌توانند با سرعت بالا تغییر جهت بدهند و در نتیجه هنگام تعویض هر فریم در تلویزیون، اثر فریم قبلی برای مدت اندکی (در حد چند میلی‌ثانیه) همچنان روی صفحه باقی خواهد ماند.

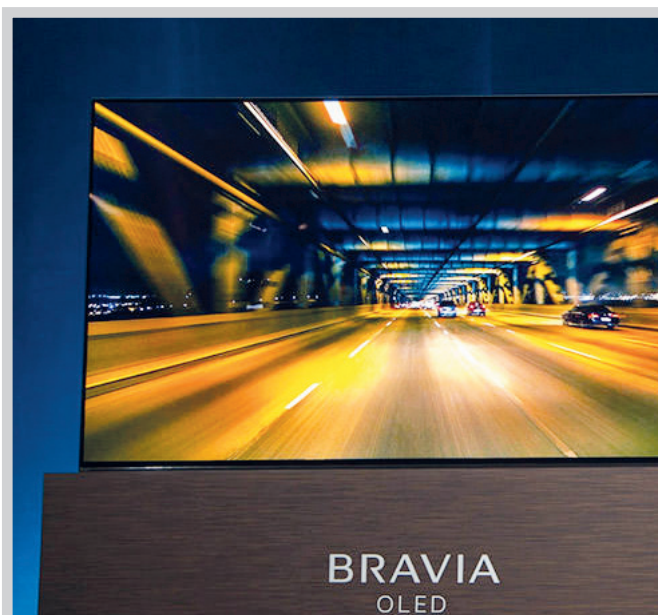
OLED اما آمده است تا بهترین مزایای تلویزیون‌های پلاسما، LCD و CRT را با هم ترکیب کند. ال‌جی ادعا می‌کند که سرعت پاسخ‌دهی تلویزیون‌های OLED ساخت این شرکت حدود ۰/۱ میلی‌ثانیه است. برای مقایسه جالب است بدانید سرعت پاسخ‌دهی تلویزیون‌های LCD بالارده به ۲۰ میلی‌ثانیه می‌رسد. این تفاوت هنگام انجام بازی‌های ویدیویی و تماشای مسابقات ورزشی بیشتر خودش را نشان می‌دهد.

زاویه‌ی دید (Viewing Angle) در تلویزیون‌ها نسبت به دیگر دستگاه‌های دارای نمایشگر از اهمیت به مراتب بالاتری برخوردار است؛ چراکه برخلاف تلفن‌های هوشمند یا تبلت که دستگاه‌های شخصی

بهترین تلویزیون‌های LCD بازار همچنان هنگام نمایش رنگ سیاه ۰/۱ نیت روشنایی دارند که باعث می‌شود کنتراستی در حدود ۱:۴۰۰۰ (بخوانید ۱ به ۴ هزار) داشته باشند. عدم توانایی نمایش رنگ سیاه توسط تلویزیون‌های LCD در صحنه‌های تاریک کاملاً مشخص است نتیجه‌ی ملموس این اعداد و ارقام این است که تلویزیون‌های OLED شما رنگ سیاه تیره‌تری را به نمایش می‌گذارد، به طوری که وقتی تصویر سیاهی در صفحه به نمایش دربیاید، نمایشگر از قاب سیاه پیرامون تلویزیون قابل تشخیص نیست و تمام بدنه یکپارچه به نظر می‌رسد. در LCDها اما همواره نور زمینه وجود دارد و نمایشگر هیچ‌گاه نمی‌تواند کاملاً جلوی آن را بگیرد و سیاه واقعی را نمایش دهد.

اما در طرف دیگر طیف روشنایی، یعنی در روشن‌ترین حالت ممکن، تلویزیون‌های OLED رقابت را به تلویزیون‌های LCD واگذار می‌کنند. تلویزیون‌های OLED ال‌جی در روشن‌ترین حالت ممکن ۷۰۰ تا ۸۰۰ نیت روشن می‌شوند. این در حالی است که روشنایی تلویزیون‌های LCD در بازه‌ی ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ نیت هم قرار می‌گیرد.

LCDها به داشتن مشکل تاری ناشی از حرکت (Motion Blur) مشهورند. هرچند این مشکل در مدل‌های اولیه‌ی LCDها



## OLED چیست؟



تلویزیون‌های LCD همواره بالاترین شدت ممکن در حال تابش است، حتی اگر تمامی صفحه سیاه باشد. تنها راه کاهش دادن مصرف انرژی در تلویزیون‌های LCD پایین آوردن میزان روشنایی کلی تلویزیون یا Brightness آن است. تلویزیون‌های OLED برخلاف LCD مصرف انرژی ثابتی ندارند در طرف دیگر اما، از آنجایی که تلویزیون‌های OLED هنگام نمایش رنگ سیاه، پیکسل موردنظر را کاملاً خاموش می‌کنند، هنگام پخش محتوایی که نصف آن رنگ سیاه دارد، عملاً نیمی از تلویزیون خاموش است. با توجه به همین نکته، مصرف انرژی در تلویزیون‌های OLED مقدار ثابتی ندارد و با توجه به محتوای پخش شده تغییر می‌کند.

تلویزیون‌های LCD همواره بالاترین شدت ممکن در حال تابش است، حتی اگر تمامی صفحه سیاه باشد. تنها راه کاهش دادن مصرف انرژی در تلویزیون‌های LCD پایین آوردن میزان روشنایی کلی تلویزیون یا Brightness آن است. تلویزیون‌های OLED برخلاف LCD مصرف انرژی ثابتی ندارند در طرف دیگر اما، از آنجایی که تلویزیون‌های OLED هنگام نمایش رنگ سیاه، پیکسل موردنظر را کاملاً خاموش می‌کنند، هنگام پخش محتوایی که نصف آن رنگ سیاه دارد، عملاً نیمی از تلویزیون خاموش است. با توجه به همین نکته، مصرف انرژی در تلویزیون‌های OLED مقدار ثابتی ندارد و با توجه به محتوای پخش شده تغییر می‌کند.

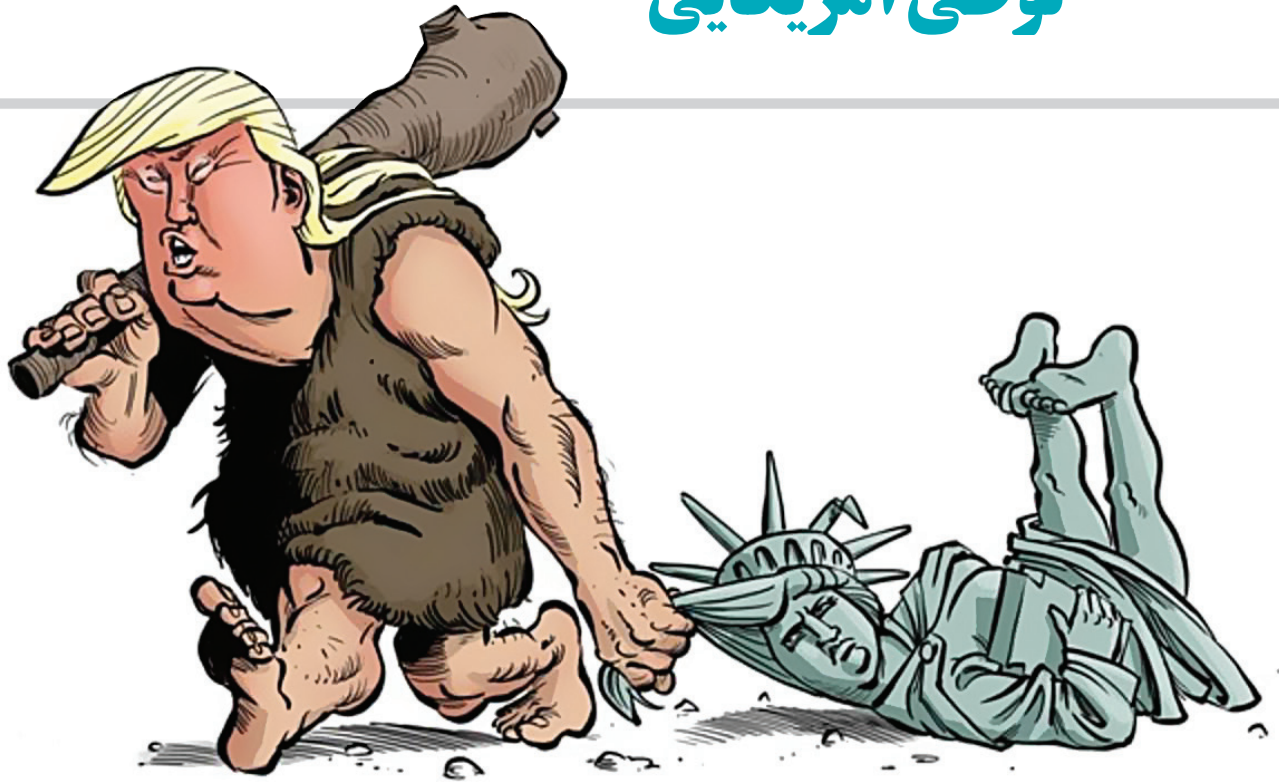
روشنایی نمایشگرها با واحد شمع بر مترمربع - که به نیت (nit) مشهور است - اندازه‌گیری می‌شود. نسبت کنتراست (Co -trast Ratio) نیز برابر است با نسبت کمترین و بیشترین روشنایی که یک نمایشگر قادر است تولید کند. تلویزیون‌های OLED در تاریک‌ترین حالت ممکن، روشنایی ۰ نیت تولید می‌کنند که منجر به نسبت کنتراست بی‌نهایت می‌شود. برای مقایسه،

OLED مخفف عبارت organic light-emitting diode و به معنی دیود ارگانیک گسیل دهنده نور است. از لحاظ فنی، نمایشگرهای اولد از لایه‌ای از مواد ارگانیک که بین دو الکترود قرار گرفته است، تشکیل می‌شوند. اما آنچه یک مصرف‌کننده معمولی کافی است بداند، این است که در نمایشگرهای OLED برخلاف LCD هر پیکسل خودش نور خود را تأمین می‌کند. در نمایشگرهای LCD نور صفحه در پس زمینه تولید می‌شود و با عبور از کریستال‌های مایع و سپس فیلتر رنگی، رنگ‌های متفاوت به خود می‌گیرد. حال اگر منبع این نور پس‌زمینه لامپ‌های LED باشند، تولیدکنندگان روی آن نمایشگر با تلویزیون‌های LCD، نام گمراه‌کننده‌ی LED را می‌گذارند.

در سال ۲۰۱۲ سامسونگ از اولین تلویزیون‌های OLED رونمایی و ال‌جی در سال ۲۰۱۳ نسل اول تلویزیون‌های OLED خود را در ابعاد ۵۵ اینچ روانه بازار کرد. از آن زمان تا به امروز تلویزیون‌های اولد راه درازی پیموده‌اند و قیمت آن‌ها چندین برابر کاهش یافته است. در این سال‌ها ال‌جی تقریباً تنها بازیگر عرصه‌ی اولد بود تا اینکه در نمایشگاه CES ۲۰۱۷ سونی و پاناسونیک با معرفی تلویزیون‌های OLED خود نشان دادند که قصد دارند به صورت جدی وارد بازار این تلویزیون‌ها شوند و بر انحصار چندساله‌ی ال‌جی بر آن پایان دهند.

از آنجایی که OLEDها (LEDها ارگانیک) نوررنگی را مستقیماً تابش می‌دهند و نیازی به نور زمینه و قطعات نوری اضافه ندارند، می‌توان آن‌ها را در ضخامت‌های بسیار کم (ضخامت ۵ میلی‌متری در مدل‌های ۶۵ اینچی) تولید کرد. تلویزیون‌های OLED همچنین وزن بسیار کمتری نسبت به رقبا LCD خود دارند. برای مثال در مدل‌های مشابه، تلویزیون‌های OLED ال‌جی ۵۲ درصد از رقیب بالارده‌ی سامسونگ خود سبک‌تر هستند. مصرف انرژی تلویزیون‌های OLED و LCD تقریباً با هم برابر است؛ اما تفاوت ماهیتی مهمی در نحوه مصرف انرژی این دو تکنولوژی وجود دارد. مصرف انرژی تلویزیون‌های LCD ثابت است و ربطی به تاریکی یا روشنایی محتوای پخش شده توسط آن‌ها ندارد. دلیل این موضوع هم این است که نور پس‌زمینه در

# لوطی آمریکایی



لوطی ترامپ که قبلاً با دمکرات‌ها و جمهوری خواهان میانه‌ی خوبی نداشت، ناگهان در تبلیغات انتخاباتی، جمهوری خواه شد و بدون رای آوری مردمی و به ضرب و زور کارت الکترا ل به عنوان چهل و پنجمین رئیس جمهور برگزیده شد. مردم آمریکا پیش از آنکه روحشان خیردار شود، دونالد ترامپ بر کرسی ریاست تکیه زده بود و به خانم‌ها شماره تلفن می داد. چنین شعبده‌ای فقط از دست فراماسون‌های قرن هیجدهم میلادی شهر لندن بر می‌آمد. سه جانبه خواهان، هیلاری کلینتون را کنار گذاشتند چون به شدت با حضور زنان در پست‌های کلیدی جهان مخالفت دارند!

از متحدای خرپولمون مثل: سعودی میخوام که برای نبرد با تروریست‌ها سرباز جور کنه و هزینه‌ی جنگی نیابتی ما رو بپردازه! در ضمن میدان‌های نفتی در اختیار داعش رو هم باس که بمبارون کنه!

- همه بدونن که من هوادار بزرگ اسرائیلیم، از شهرک‌سازی‌های یهودی‌نشین حمایت می‌کنم و این اجازه رو میدم تا در بازجویی از تروریست‌ها، القای حس غرق شدن و یک عالمه بدتر از آن را استفاده کنن!

- از چینی‌های مرده‌شور برده هم بدم میاد، آخه این‌ها هم شد توافق؟ من این توافق‌نامه شراکت ترنس پسیفیک رو جر میدم. لامصبا گرمایش زمین را بهونه کردن تا جلوی تولیدمارو بگیرن. اگر دستم بهشان برسد، قیمه قیمه‌شون می‌کنم؛ در عوض، الهی قریون روس‌های گلی منگولی بروم که با داعش می‌جنگن. من حاضرم سینه‌خیز تا خود روسیه بروم و صد تا زن روسی بگیرم. من از آقا پوتین میخوام که به ایران و چین بگه: اه!

- در ضمن گفته باشم من از سوسول بازی هیچ خوشم نمی‌یاد و با کنترل اسلحه و قداره مخالفم. معلما برای امنیت خودشون می‌تونن با اسلحه سرکلاس حاضر بشن و از استانداردهای آموزشی کامن کور دست بردارن. گفتنی است دونالد ترامپ که کار خودش را ابتدا از کافه و کاباره شروع کرده است، بعداز مدتی بساز و بفروش شد و هم اکنون سوژه کار کم‌دین‌ها و کارتون‌های فلشی و کاریکاتورریست‌هاست. او از اهالی دهکده‌ی جهانی می‌خواهد تا به تماشای فیلم‌های رذل‌های کوچک و گم شده در نیویورک و روزهای زندگی ما و همچنین وال استریت: پول هرگز نمی‌خواهد که گوشه‌هایی از زندگی اوست دیدن نمایند.

و جمهوری خواهان میانه‌ی خوبی نداشت، ناگهان در تبلیغات انتخاباتی، جمهوری خواه شد و بدون رای آوری مردمی و به ضرب و زور کارت الکترا ل به عنوان چهل و پنجمین رئیس‌جمهور برگزیده شد. مردم آمریکا پیش از آنکه روحشان خیردار شود، دونالد ترامپ بر کرسی ریاست تکیه زده بود و به خانم‌ها شماره تلفن می‌داد. چنین شعبده‌ای فقط از دست فراماسون‌های قرن هیجدهم میلادی شهر لندن برمی‌آمد. سه‌جانبه‌خواهان، هیلاری کلینتون را کنار گذاشتند چون به شدت با حضور زنان در پست‌های کلیدی جهان مخالفت دارند!

ترامپ که حسابی خریک شده بود، طبق برنامه‌ی سه‌جانبه‌خواهی، از همان روز اول زنجیر بی‌سوسه و دستمال بزرگ ابریشمی به دست گرفت و قداره و دشنه بر شال کمر بست و سیگار برگ به دندان گرفت و گیوه‌ی نازک هم به پا کرد و جام برنجی جلوی خود گذاشت و سر چهارسوق و گردنه‌ی دهکده‌ی جهانی ایستاد و معرکه راه انداخت و هوار کشید و باج و خراج خواست و این‌گونه رجز خواند:

- آهای نفس‌کش! گفته باشم از همین امروز ایرانیایی که چراغ خاموش به ما آنتی حال می‌زنن و ۶ کشور مسلمان دیگه حق ندارن پاشونو تو این محله بذارن! ... افتاد؟ البته سعودی‌ها و کویتی‌ها استثنان!

- مکزیکیا و مهاجرای دیگه هم زودگوروشونو گم می‌کنند. وقتی دارم در مرز مکزیک، دیفال می‌کشم! بنینم کسی این‌ور مرز جامونده باشه؟ خون هر کس پای خودشه! افتاد؟

- ژاپنی‌ها و کشورهای دیگه هم برای حفظ امنیتشون می‌باس هزینه‌ی سرباز او پایگاه‌های مارو بدن، در عوض اجازه میدم که ژاپنی‌ها سلاح هسته‌ای بسازن تا با کره شمالی کرکری بخونن.

تلاش خند

**احمد فرهنگ**  
کارشناسی ارشد ادبیات فارسی  
دانشگاه تربیت مدرس

کمیسیون سه‌جانبه خواهی، تشکیل جلسه داده بود تا برای مدیریت جهان برنامه‌ریزی کند. این بار قضیه کمی متفاوت بود، هر چه را که در طول دو قرن رشته بودند، انقلاب اسلامی از راه رسیده بود و همه را پنبه کرده بود. مهم‌ترین بحث این اجلاس پیدا کردن راهکارهایی برای حفظ آمریکا از فروپاشی قریب‌الوقوع بود. تلاش اعضا این بود تا دولت آمریکا به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی در قلب سیاست‌های جدید باقی بماند و رؤسای جمهور به‌عنوان حافظ منافع سرمایه‌داران بزرگ در این جهان انفجاری انجام‌وظیفه نمایند. کارتر، بوش پدر، ریگان، کلینتون، بوش پسر و اوباما، هر یک عهده‌دار مأموریتی متمایز از یکدیگر شده بودند تا مردم و اقتصادیات همه‌ی کشورها و حکومت‌ها در خدمت نیازهای بانک‌ها و شرکت‌های چندملیتی و امپراتوری‌های جدید شرکتی امپریال قرار بگیرند. کارتر و بوش پدر و اوباما و کلینتون با پنبه سر می‌بردند. ریگان و بوش پسر نقش هفت‌تیرکش کابویی را بازی می‌کردند. حالا در شرایط جدید جهان، مهره‌ای لازم بود تا این‌ها را با هم ترکیب کند و به میدان سیاست بیسورد و این‌قدر عرضه داشته باشد تا بتواند ینگه دنیا را با هزارها تریلیون بدهی، بر سرپا نگه دارد. این کار بزرگ فقط از یک لوطی قدر آمریکایی برمی‌آمد، کسی که نقش خل‌وچل را بازی کند و او کسی نبود جز دونالد ترامپ پانصدمین سرمایه‌دار جهان.

لوطی ترامپ که قبلاً با دمکرات‌ها

۲۳ 83% 10:02 AM

تلگرامیسم! Cheshmeh last seen at 9:48 PM

این همه دانشجو که می‌گیرید براش بازار کار ایجاد کنید تا اینقدر تحصیلکرده بیکار نداشته باشیم!

چشمه: آگه دست ماست ببخشیدد واقعا. اما ما هم با شما موافقیم. آگه یادداشت به ما هم چشمه. بدید حاضرم چاپ کنیم.

مشکلات خوابگاه‌ها و نداشتن امکانات!

چشمه: چندتا یادداشت و گفتگو و گزارش کار کردیم در این مورد. ولی بازم چشمه. حتما دوباره با قوت بیشتری ادامه میدیم. آگه شما هم موضوع خاصی در نظر تون بگیرد حتما پیگیری کنیم.

بی‌توجهی استاد راهنماها نسبت به همکاری با دانشجو در پایان نامه، چون احساس می‌شود وظیفه خود را فراموش کرده‌اند.

چشمه: آقاییون، داداشام؛ ما گاهی یواشکی انتقادتون رو کردیم تو یادداشت. آگه مورد چشمه خاصی هست بگیرد. الاقل یادداشت بدید. ما پیگیری می‌کنیم. باور کنید اثرگذار.

خوابگاه نرگس هیچ امکاناتی ندارد حتی سالن مطالعه هم ندارد.

چشمه: حتما به زودی به پرونده کار می‌کنیم روی این مورد.

برای مصاحبه سراغ بخش فیزیک بروید. چرا گروه فیزیک بی‌قانون است؟

چشمه: آگه مسئول خاصی مدنظر تون بگیرد خب. اما ما علی‌الحساب سراغ مدیر گروه چشمه میریم برا مصاحبه. اما شما هم موضوعات رو بگیرد که حرف برا گفتن داشته باشیم.

امیدواریم به کم از مسائل پیش‌یافتاده‌ای مثل درس و خوابگاه کنده بشه این نشریه هم به کم بچه‌ها رو مجبور کنه به مسائل دو رو برشون عمیق تر فکر کنن! باتشکر از تمام کسانی که برای چاپ این نشریه زحمت میکشن!

چشمه: ما اولویت اصلی مون موضوعات مرتبط با دانشگاه تربیت مدرس. اما در کنارش به موضوعات مهم کشوری هم نگاهی داریم و یادداشت مختلفی در این باره کار کردیم.

چرا اعضای حزب توده که گمان می‌کردند پس از انقلاب در تلویزیون هم حق اظهار نظر دارند الان ندارند؟

چشمه: چرا حزب توده؟ حزب توده که محفل شده، چطور یباید حرف بزنه؟ این همه چشمه. حزب. اصولگرا! اصلاح طلب. اصلا واقعا چرا هر دو طرف معتقدند که صدا و سیما حرفشون رو پوشش نمیده؟ اصلا درسته این حرف؟ به نظر بد نباشه روی این موضوع کار کنیم. ممنون بابت سوال خوبتون

Message

## جشن ازدواج زوج های جوان دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد

مدرس نیز، با تبریک این مرحله سرنوشت ساز از زندگی خاطرنشان ساخت: ازدواج در دوران دانشجویی جسارتی ستودنی می طلبد که شما با انجام این امر مقدس ثابت نمودید که از این جسارت و شجاعت برخوردارید. از سوی دیگر ازدواج در دوران دانشجویی انسان را از تک بعدی بودن خارج می کند و به تجارب مدیریتی آدمی می افزاید. در ادامه جشن، دکتر حمید حبشی مشاور نام آشنای امور خانواده و جوانان، مطالب و نکات خود در زمینه مدیریت روابط زوجین را به صورت کارگاه آموزشی مطرح کرد که با استقبال بسیار زوج های جوان دانشجو مواجه گردید.

لازم به ذکر است که از برنامه های جانبی این جشن می توان به اجرای برنامه تواشیح توسط گروه بین المللی نجم الهدی و پخش کلیپ های مناسبی، ارائه بسته های فرهنگی و همچنین هدیه ویژه مراسم اشاره نمود. در پایان برنامه نیز زوج های دانشجو با گل های اهدایی از سوی دفتر نهاد، جهت ادای احترام و همچنین اقامه نماز ظهر و عصر به سوی مقبره شهدای گمنام و مسجد دانشگاه روانه شدند.

برنامه بعد از ظهر این روز اختصاص به دانشجویان مجرد داشت. دکتر حبشی در این کارگاه با طرح موضوع معیارهای انتخاب همسر به بیان اصول و مراحل ازدواج پرداختند. گفتنی است این برنامه با حضور پرشور دانشجویان مجرد و سوال و جواب از مشاور و کارشناس برنامه همراه بود.



به اولیاء الهی، شناخت بنیان های روانی یکدیگر و تنظیم رفتارها بر اساس این شناخت می تواند به هر چه ریشه دار شدن این پیوند مقدس کمک کند. ایشان در پایان با آرزوی خوشبختی برای مزدوجین دانشجو اظهار امیدواری نمودند تا حاصل این پیوندهای مقدس، فرزندان صالح و سالم باشد. در ادامه دکتر احمدی رئیس دانشگاه تربیت

خیر مقدم و آرزوی خوشبختی برای زوج های دانشجو، با اشاره به پیوند مقدس ازدواج به مزدوجین دانشجو، توصیه نمود: این پیوند را به درختی ریشه دار با ریشه و بنیان های مستحکم تبدیل کنید تا هیچ باد و طوفانی نتواند آن را متزلزل سازد، ایشان سپس به پاره ای از راه های استحکام بخشی به این پیوند مقدس اشاره کردند و افزودند: باورمندی و توکل به خداوند، توسل

جشن ازدواج دانشجویی دانشگاه تربیت مدرس از سوی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در این دانشگاه با حضور زوج های جوان، همزمان با ایام الله دهه فجر برگزار شد.

در ابتدای مراسم پس از قرائت آیاتی از قرآن کریم و پخش سرود ملی، حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع، مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، ضمن عرض



دکتر کریمیان اقبال:

### بعد از تحصیل کار کنید

فارغ التحصیلی مهم تر از ادامه تحصیل می باشد. دانشجویان باید برای کسب تجربه و آشنایی با واقعیات جامعه و زندگی پس از اتمام دوره کارشناسی وارد بازار کار شوند حتی اگر کار آن ها چندان مرتبط با زمینه تحصیلی آن ها نباشد.

نیافتن شغل مناسب، ارزش تحصیلات آن ها زیر سؤال رفته و از نظر صرفه زمانی و اقتصادی به مشکل می خورد. در واقع تحصیلات دانشگاهی دوران رشد حبابی را طی می کند. دکتر کریمیان اقبال تعریف رشته های جدید با توجه به نیازهای جامعه و ضرورت ها و مشکلات را از دیگر راهبردهای مفید برشمرد و افزود: ورود به بازار کار بعد از

علاقه او شده است. دکتر کریمیان اقبال در ادامه به اینکه دانشجویان دکتری بهترین سال های عمر خود را در دانشگاه می گذرانند اشاره کرد و گفت: دانشجویان دکتری مهم ترین بخش عمر خود را که در آن فرصت تبلور خلاقیت داشته و کسب تجربه و تحمل شکست را می یابند در دانشگاه از دست می دهند. از طرفی با گذشت زمان و بالا رفتن سن به دلیل

دانشگاه های باشد. عضو کارگروه حوزه سیاست گذاری در توسعه فناوری افزود: آموزش دانشجو در یک تخصص خاص و دریافت مدرک، راهبرد خوبی نیست. ما هم اکنون نیاز به فارغ التحصیلانی داریم که قادر به شناسایی مشکلات و دیدن و درک مسائل باشند. از سویی آموزش کلاسیک و ثابت باعث کاهش قدرت خلاقیت دانشجو و سرکوب

دکتر مصطفی کریمیان اقبال معاون پیشین وزیر علوم در بیست و هشتمین گردهمایی مدیران گروه های آموزشی دانشگاه به سخنرانی درباره ضرورت بازنگری در روش های رایج دانشگاه های کشور پرداخت و گفت: نظام آموزش عالی کشور هم اکنون با سوالات بسیاری مواجه شده و آنچه در حال حاضر از اهمیت ویژه ای برخوردار است توجه به نیاز جامعه یا مشتری از سوی

### جهان در پنجاه سال آینده در نگاه دکتر فتح الهی

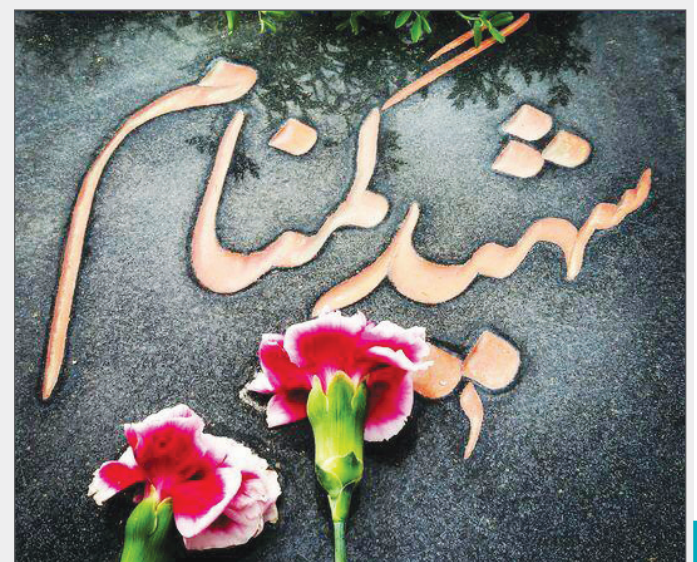


می کند که پیشرفت های حیاتی در بخش مراقبت از سلامت، انرژی، غذا، اقلیم و آب ایجاد خواهد کرد. یک آینده پژوهشی و پیش بینی وقایع مبتنی بر این دیدگاه وجود دارد که در دوره های مختلف، شرایط زندگی انسان ها را پیش بینی می کند.

دکتر یعقوب فتح الهی در نشست شورای دانشگاه، آینده پژوهشی وقایع قرن ۲۱ را از منظر نظام convergence بررسی کرد. وی اظهار داشت: convergence یک پارادایم جدید است و راه و رسم نوینی را برای زندگی بشر ترسیم

### مراسم خاکسپاری شهید گمنام در دانشکده کشاورزی

همزمان با ایام فاطمیه، تشییع و خاکسپاری شهید گمنام در دانشکده کشاورزی انجام می شود. همزمان با ایام سوگواری شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، پیکر پاک و مطهر یکی از شهدای گمنام دوران هشت سال دفاع مقدس، دوشنبه نهم اسفندماه در دانشکده کشاورزی به خاک سپرده می شود. گفتنی است رییس دانشگاه در آبان ماه سال جاری در نامه ای به سردار سید محمد باقرزاده فرمانده کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح، آمادگی دانشگاه را برای خاکسپاری شهید گمنام در دانشکده کشاورزی اعلام کرده بود.





با تشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است. چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب، آزاد است. استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد.

دوهفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس  
**چشمه**  
 CHESHMEH  
 سال چهارم . شماره سی و نه . نیمه دوم بهمن ماه ۱۳۹۵  
 Vol.4 / No.39 / Feb 2017

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس  
 مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع  
 سردبیر: مرتضی فاضلی  
 دبیر تحریریه: سیامک شادکام  
 مدیر اجرایی و ویراستار: سوادبه شجاعی  
 گرافیکست و صفحه‌آرا: سعید خیراله  
 مجری طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیای مهر معرفت

# ذره بین

سوژه‌های چشمه‌ایها

<p>۲- آگه واقعا اینقدر فضا باز و آزاده که دانشجویها هر وقت دلشون خواست به بسکت بززن ؛ ببخشید توپش کجاست آیا؟! آدم بعضی وقتها بی‌اراده خوشحال میشه، الان همچین آدمی شدم.</p>				<p>۱- درب پشتی اتوبوس سرویس خوابگاه که مسدود شده و صحنه زنده‌ای ایجاد کرده. موقعیت اتوبوس میدان ۹ دی دانشگاه.</p>
	<p>۴- یعنی واقعاً دیگه جا نبود؟! کف رو که می‌چسبونین، تابلو اعلانات را هم، دیگه با اینا چیکار دارین</p>			<p>۳- بزرگوار؟! اشتباه گرفتس! این تابلو اعلانات نیست، تابلوی راهنمای دانشگاه ست، تابلو اعلانات رو بروشه، یکم توجه همچین بدم نیستا.</p>
<p>۶- گاهی لازم است در کمدهای خوابگاهی مان لااقل به بیست تایی ظروف یکبار مصرف داشته باشیم تا در صورت وضعیت سمت راست از وضعیت سمت چپ استفاده کنیم.</p>		<p>۵- واقع خب الحمدالله توانستیم مدیر رو هم صادر کنیم. آقایی گفته بود باید مدیر از خارج وارد کنیم اما اینجا...! حرفی ندارم</p>		
	<p>۷- اینم از دکور به بچه دانشجوی خوابگاهی، حالا تو باز بگو من واسه زندگی انگیزه ندارم.</p>			<p>۸- اینا جورابشونم به اینترنت وصل میشه ولی گوشی ما ...</p>
<p>۱۱- این از اون دانشجوهاییه که شکلاتا و لواشکاشو احتمالاً توی اون ظرفه قایم کرده بلکه پولاشو، بعدم دورش کاغذ کادو گرفته کسی طمع نکنه.</p>		<p>۱۰- وقتی علت این نوع از زیبایی شناختی دکوراسین رو جویا شدیم گفتن همین که شوفازو خاموش می‌کنیم، لوله‌های بالاسرمون چکه می‌کنن، مجبوریم، میفهمی؟! مجبور، دیگه ادامه ندادیم و به یک عکس بسنده کردیم.</p>		<p>۹- یعنی از این بهتر نمی‌شد، همش کالای ایرانی، مخصوصاً دسترش.</p>
	<p>۱۲- اینم ابتکاری برای جلوگیری از بسته نشدن در از برویج تربیت مدرس، اصلاً مسواکشو وقف اینکار کرده، بازم بگو این علم ما به چه دردی می‌خوره!</p>		<p>۱۳- مدتها بود وقتی از کنار این درختچه رد می‌شدم به الکتریسته‌ای بهم وارد می‌شد، خدارو صد هزار مرتبه شکر، بالاخره دلپش رو یافتم.</p>	